

— حمید عطائی نظری
استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نگاهی به تأثیرپذیری های کلام امامیه از کلام اشعری و فلسفه سینوی و عرفان ابن عربی و حکمت صدرایی

۳-۲۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حمید عطائی نظری

چکیده: کلام امامیه در ادوار مختلف تحت تأثیر جریان‌های مطرح و متنوع فکری در تمدن اسلامی قرار گرفته است و از جهات گوناگون و به درجات متفاوت از آنها اثرپذیرفته. کلام معتزلی، کلام اشعری، فلسفه سینوی، عرفان ابن عربی و حکمت صدرایی مهم‌ترین مکاتب فکری اثرگذار بر کلام امامیه در دوره‌های مختلف بوده است. عمده‌ترین تحولات رخ داده در کلام امامیه که موجب پدیدآمدن مکاتب و جریان‌های کلامی متمایز در کلام امامی شده است برخاسته از همین اثرپذیری‌های متکلمان امامی از مکاتب فکری یادشده است. در نوشتاری که در شماره پیشین همین مجله زیر عنوان «کلام شیعی و گفتن معتزلی (ملاحظات) در باب مسئله تأثیرپذیری کلام امامیه از کلام معتزلی» منتشر شد، به اثرپذیری‌های کلام امامیه از کلام معتزلی پرداختیم. اکنون در مقاله حاضر به اصل تأثیرپذیری کلام امامیه از کلام اشعری، فلسفه سینوی، فلسفه اشراقی، عرفان ابن عربی و حکمت صدرایی اشاره می‌کنیم. توجه به این اثرپذیری‌ها، در نحوه مواجهه ما با متون کلامی امامیه بسیار مؤثر و راهگشاست و به ما یادآوری می‌کند به هنگام مطالعه آراء و آثار متکلمان امامی تأثرات اندیشگی آنها را از مکاتب فکری دیگر مد نظر قرار دهیم.

Having a Look at the Influence of Ash'ari's Theology, Avicennism, Ibn Arabi's Mysticism, and Sadrāie's Wisdom on Imamiya Theology

By: Hamid Atāie Nazari

Abstract: In different eras, Imamiya theology has been impacted by various important intellectual currents in Islamic civilization. Among all, Mu'tazila theology, Ash'ari theology, Avicennism, Ibn Arabi's mysticism, and Sadrāie's wisdom are the most important and effective schools on Imamiya theology. The most important developments in Imamiya theology, which led to the emergence of distinct theological schools and currents in Imamiya theology are due to the effects of the mentioned schools. In the previous issue of this journal, a paper titled "Imamiya Theology and Mu'tazila Discourse (Some consideration regarding the issue of the impact of Mu'tazila theology on Imamiya theology)" was published which talks about the influence of Mu'tazila theology system on Imamiya theology. This paper explains about the fact that Imamiya theology has been influenced by Ash'ari theology, Avicennism, Illuminationism, Ibn Arabi's mysticism, and Sadrāie's wisdom. Knowing about these effects is quite helpful in the way we face the Imamiya theological texts, and reminds us to take other schools and their impacts in consideration as well.

Key words: Imamiya theology, Ash'ari theology, Avicennism, Illuminationism, Ibn Arabi's mysticism, and Sadrāie's wisdom.

کلیدواژه‌ها: کلام امامیه، تأثیرپذیری، کلام اشعری، فلسفه سینوی، فلسفه اشراقی، عرفان ابن عربی، حکمت صدرایی

نظرة على تأثر علم الكلام لدى الإمامية

بکلام الأشعریین والفلسفة السینائیة و عرفان ابن عربی والحکمة الصدرائیة

حمید عطائی نظری

کان علم الکلام لدى الإمامية عرضة لتأثيرات التيارات الفكرية المختلفة المطروحة في العصور المختلفة للحضارة الإسلامية، وقد تأثر بهذه التيارات من زوايا مختلفة و بدرجات متفاوتة.

وكانت أهم وأبرز المدارس الفكرية التي تركت تأثيرها على علم الکلام الإمامي في المراحل التاريخية المختلفة هي مدارس علم الکلام المعتزلي و علم الکلام الأشعري و الفلسفة السینائیة و عرفان ابن عربی و الحکمة الصدرائیة.

إن أهم التطورات التي شهدها علم الکلام الإمامي والتي آلت إلى ظهور المدارس و التيارات الکلامية المختلفة في علم الکلام الإمامي، هي - في حقيقتها - نابعة من تأثر متکلمي الإمامية بالمدارس الفكرية المشار إليها.

وفي المقال الذي نشرناه في العدد السابق من هذه المجلة تحت عنوان (علم الکلام الإمامي و مقولات المعتزلة) (تأملات في مسألة تأثر علم الکلام الشيعي بکلام المعتزلة) تناولنا جوانباً من تأثر کلام الإمامية بالکلام المعتزلي.

والآن - في مقالنا الحالي - نتناول بالبحث مسألة تأثر علم الکلام الشيعي بکلام الأشعريين و الفلسفة السینائیة و الفلسفة الإشرافية و عرفان ابن عربی و الحکمة الصدرائیة.

إن وعينا بهذه التأثيرات و انتباهنا لمدياتها له الأثر الفاعل و الحاسم في كيفية فهمنا للنصوص الکلامية الإمامية، الأمر الذي يدعونا كي نأخذ بعين الاعتبار - عند مطالعتنا لآراء و نتائج متکلمي الإمامية - تأثر طريقة تفكيرهم بالمدارس الفكرية الأخرى.

المفردات الأساسية: کلام الإمامية، التأثر، کلام الأشعري، الفلسفة السینائیة، الفلسفة الإشرافية، عرفان ابن عربی، الحکمة الصدرائیة.

نگاهی به تأثیرپذیری‌های کلام امامیه از کلام اشعری و فلسفه سینوی و عرفان ابن عربی و حکمت صدرایی

— حمید عطائی نظری

۱. مقدمه

توجه به پیوستگی و ارتباط کلام امامیه با سایر مکاتب فکری پدیدآمده در تمدن اسلامی از ضرورت‌های پژوهش در کلام امامیه است. بررسی تاریخی ادوار مختلف کلام امامیه حاکی از آن است که این دانش در فضایی تکوین یافته و بالیده است که در آن پیوسته در تماس با اندیشه‌های گوناگون مکاتب مطرح در تمدن اسلامی بوده و در اثر ارتباط با نظام‌های فکری دیگر، در برخی جوانب، دچار تغییراتی شایان توجه شده است. مناطقی چون بغداد و ری، که زیستگاه بسیاری از متکلمان امامی معروف بوده است، محل حضور فیلسوفان و متکلمان دیگر فرقه اسلامی نیز بوده است. این متکلمان امامی که بناگردد در مواجهه و ارتباطی تنگاتنگ با متفکران دیگر مذاهب قرار داشته‌اند، در برخی مسائل و موضوعات، از نگرش‌ها و نگاه‌های آنان تأثیر پذیرفته‌اند و گاه نیز برعکس، منشأ تأثیراتی بردیدگاه‌ها و نوشته‌های سایر متکلمان مسلمان شده‌اند. این تأثیرپذیری، محدود به پذیرش آموزه‌های اعتقادی نیست، بلکه به‌طور عمده، در زمینه نحوه تبیین مسائل کلامی و صورت‌بندی آنها یا استعمال قواعد و براهین و اصطلاحات خاص برگرفته از مکاتب دیگر است. در واقع، اگرچه در تاریخ کلام اسلامی نمونه‌های متعددی از پذیرش اصول فکری و اعتقادی فرقه‌های رقیب و مخالف از سوی متکلمان برخی مکاتب نیز وجود داشته است، بخش قابل توجهی از تأثراتی که در تاریخ تعاملات فکری مکاتب کلامی مختلف در تمدن اسلامی اتفاق افتاده است، تأثیرپذیری در حوزه نحوه تبیین و تنظیم و تحریر مسائل کلامی بوده.

تعاملات و روابط فکری یادشده، تنها میان متکلمان مسلمان برقرار نبوده، گاه در برخی مناطق، دامنه آنها گسترده‌تر گشته، به ارتباطات و دادوستدهای علمی میان متکلمان مسلمان و مسیحی و یهودی نیز کشیده شده است.^۱ برای نمونه، حضور اقوام و ادیان مختلف، از مسلمان و مسیحی و یهودی تا زردشتیان و زندیقان

۱. برای تاریخچه‌ای کوتاه از این نوع تعاملات فکری نگرید به:

Schmidtko, Sabine, "Theological Rationalism in the Medieval World of Islam", *Al-Usur al-Wušta*, 20.1 (April 2008) Pp.17-22.

ترجمه فارسی این اثر را نگرید در: اشمیتکه، زابینه، خردگرایی کلامی در دوران میانی جهان اسلام، ترجمه: حمید عطائی نظری، مجله آینه پژوهش، سال بیست و دوم، شماره ۱۳۲، بهمن ماه ۱۳۹۰، ص ۷ - ۱۹.

مفضل‌ترین گزارش از روابط و تعاملات فکری میان متکلمان مسلمان و متکلمان مسیحی، در کتاب شناسی سترگی که زیر نظر دیوید تامس با عنوان «روابط مسیحیان و مسلمانان: تاریخ کتابشناسانه» در حال تدوین و نشر است قابل ملاحظه و پیگیری می‌باشد. در این اثر کتاب‌شناسانه، تمام مستندات و مشخصات آثار موجود و مفقود در خصوص روابط فکری میان دانشمندان مسیحی با عالمان مسلمان از قرن هفتم تا اوایل قرن بیستم میلادی (از قرن یکم تا چهاردهم هجری قمری) گردآوری و تنظیم و معرفی شده است. تاکنون یازده مجلد از این اثر با مشخصات زیر از سوی انتشارات بریل منتشر شده است:

Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History, Edited by: David Thomas and John Chesworth, Brill.

ولفسن نیز در اثری ارزشمند به بررسی اخذ و اقتباس‌های متکلمان یهودی قرون میانی از متکلمان مسلمان، به‌ویژه متکلمان معتزلی، پرداخته است و نشان داده که آن متکلمان یهودی، برای تنظیم و فاعده‌مند کردن آموزه‌های اعتقادی کیش یهود، از روش‌ها و اصطلاحات و استدلال‌های متکلمان معتزلی بهره فراوان برده‌اند. نگرید به: ولفسن، هری اوسترین، بازتاب‌های کلام اسلامی در فلسفه یهودی، ترجمه: علی شهبازی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۷.

و پیروان ادیان بشری گوناگون، در بغداد در عصر آل بویه (قرون چهارم و پنجم هجری قمری)^۲ سبب گشت که این شهر از مراکز فرهنگی مهم جهان اسلام به شمار آید و محل تلاقی افکار و مواجهه علمی مکاتب فکری مختلف گردد. اختلاف عقیدتی شدید میان ادیان و مذاهب یادشده باعث رواج مناظرات و گفتگوهای بین‌الادیانی در میان عالمان این ادیان شده بود.^۳ افزون بر این، فعالیت و حضور جدی مهم‌ترین فرقه‌های اسلامی، یعنی اصحاب‌الحديث (حنابله) و اشاعره و معتزله و امامیه در بغداد، زمینه بروز مجادلات کلامی میان دانشوران این فِرَق را فراهم آورده بود.^۴

به‌طور طبیعی برپایی مناظرات شفاهی و نگارش ردیه‌های گوناگون بر عقاید دیگر مذاهب و ملل از سوی متکلمان فرقه‌های اسلامی، باعث رشد و گسترش علم کلام می‌گشت، چنان‌که پیدایی علم کلام، خود، حاصل رواج همین‌گونه مجادلات و مناظرات بود، اما علاوه بر این، بر اثر آن رویارویی‌ها و گفت‌وگوها، متکلمان ادیان و فرقه‌های مختلف تحت تأثیر روش‌ها و نگرش‌ها و اندیشه‌های یکدیگر نیز قرار می‌گرفتند. در دوره‌های بعد نیز این همزیستی و تبادل افکار و انظار میان متکلمان مسلمان، در مناطق مختلف تمدن اسلامی برقرار بود و تأثیر و تأثرات پیش‌گفته همچنان استمرار یافت. در نتیجه، اکنون برای بررسی تاریخی تحولات پدیدآمده در موضوعات مختلف کلامی در مکاتب نامبرده، اتخاذ رویکردی جامع و فرافرجه‌ای و کاوش در روابط اندیشگی و تعاطی افکار میان آنها امری اجتناب‌ناپذیر و به‌غایت بایسته است. در بسیاری از پژوهش‌ها محققان با غفلت از پیوند و تعامل فکری متکلمان ادیان و مذاهب مختلف با یکدیگر و بدون توجه به پیشینه تاریخی مسائل کلامی در فرقه‌ها و مکاتب فکری حاضر در تمدن اسلامی، تنها به بررسی صرف اندیشه‌های کلامی متکلمان فرقه مورد نظر خود پرداخته‌اند. طبعاً ثمرات این دست پژوهش‌ها نتایجی دقیق و عمیق به حساب نمی‌آید و تحلیل‌های مبتنی بر آنها نیز ناقص و ناستوار خواهد بود.

در بررسی تطورات کلام امامیه لحاظ همین دادوستدهای اندیشگی میان این مکتب و سایر مکاتب کلامی و فلسفی بسیار حائز اهمیت است. از حیث تاریخی، کلام امامیه در ادوار مختلف تکوین و تکامل خود، با دو نظام کلامی معتزله و اشاعره و همچنین فلسفه ابن سینا در تعامل نزدیک بوده و از آنها تأثیرات قابل توجهی پذیرفته است. دو مکتب فکری فلسفه اشراقی شیخ شهاب‌الدین سهروردی (د: ۵۸۷ ه.ق) و عرفان نظری ابن عربی (د: ۶۳۸ ه.ق) نیز در مقاطعی در پاره‌ای مسائل و موضوعات بر برخی متکلمان امامی و تحوّل دانش کلام در امامیه اثرگذار بوده است. با این حال میزان و گستره و در نتیجه، اهمیت تأثیرات آنها بر کلام امامی تا پیش از تأسیس حکمت متعالیه صدرایی نسبت به سایر مکاتب فکری یادشده محدود بوده است. فلسفه ملامدرا (د: ۱۰۵۰ ه.ق) موسوم به «حکمت متعالیه» نیز در چند قرن اخیر تأثیرات فراوانی بر اندیشه متکلمان امامی داشته است و بدون شک یک عامل مهم در تحولات کلام امامیه در قرون متأخر باید به شمار آید.

در مقابل، به نظرمی‌رسد کلام امامیه هیچ‌گاه در تاریخ خودش، تعامل نزدیک و ارتباط شایان توجهی با کلام اسماعیلی و کلام ماتریدی پیدا نکرد و تأثیر و تأثر ویژه‌ای میان آراء کلامی آنها پدید نیامد. این مطلب از میزان اشارات اندک به آراء و آثار متکلمان این فرقه‌ها در متون متعلق به هریک از آنها نیز قابل فهم است. در مکتوبات کلامی امامیه، آن اندازه که نام و آراء متکلمان معتزلی و اشعری و فلاسفه مجال طرح یافته است، به هیچ‌روی از اسامی و دیدگاه‌های متکلمان اسماعیلی و ماتریدی یاد نشده است.

بنابراین، بیشترین پیوندها و ارتباطات کلام امامیه در قرون میانی اسلامی، با مکاتب معتزله و اشاعره و فلسفه سینیوی بوده است. به همین دلیل، هرگونه بررسی جامع و ژرف‌نگرانه در باب تاریخ مسائل و اندیشه‌های کلامی در امامیه و تطورات آنها در این دوره نیز به‌طور حتم باید با روش تطبیقی و لحاظ مباحث مطرح در کلام معتزله و کلام اشاعره و فلسفه ابن سینا صورت گیرد.

در ادامه، مروری کوتاه می‌نماییم بر پژوهش‌هایی که در خصوص تعاملات و روابط فکری میان کلام امامیه و جریان‌ها و مکاتب فکری مهم تمدن اسلامی کلام اشعری، فلسفه سینیوی، فلسفه اشراقی، عرفان ابن عربی و حکمت صدرایی صورت گرفته است. روشن است که در این مجال اندک، درصدد مشخص کردن مواضع دقیق اثرپذیری‌ها و موارد جزئی تأثیر و تأثرات اندیشگی نیستیم. بررسی دقیق چند و چون تعاملات و پیوندهای فکری میان امامیه

۲. نگرید به کتاب مبسوط و ارزشمند مرحوم علی اصغر فقیهی درباره آل بویه با عنوان:

آل بویه، نخستین سلسله قدرتمند شیعه، چاپ سوم، ۱۳۶۶، ص ۴۸۵.

۳. نگاه کنید به کتاب سودمند جوئل ل. کرمر: احیای فرهنگی در عهد آل بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی، ترجمه: محمّد سعید حنایی کاشانی، فصل اول، بیه‌بزه ص ۹۴-۱۳۵.

۴. برای تحقیقی در باب تعاملات و مواجهات فکری متکلمان امامی با متکلمان دیگر فرق اسلامی در بغداد عصر آل بویه نگرید به: یارانی، محمدرضا، بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره در عصر آل بویه در بغداد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲، ص ۴۳۰. نیز نگاه کنید به: امیرخانی، علی، «مناسبات فرهنگی اجتماعی اهل حدیث و امامیه در بغداد از غیبت صغرا تا افول آل بویه»، چاپ شده در: جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد، ص ۴۰-۵۸.

و مکاتب مزبور مستلزم پژوهش‌های متعدّد و بسیار گسترده است. اکنون فقط در پی اشاره و تأکید بر اصل وجود این پیوستگی‌ها و روابط فکری و ارائه گزارشی کتاب‌شناسانه از تحقیقات مربوط به این حوزه هستیم تا هم وضعیّت تحقیقات کلامی ما در این موضوع معلوم شود و هم به اجمال ارتباط و پیوستگی فکری کلام امامیه با مکاتب پیش‌گفته مشخص گردد. توجه به این نکات، ضرورت اتخاذ رویکرد جامع تطبیقی در پژوهش‌های کلامی و بررسی همگام متون کلامی و فلسفی مکاتب یادشده را به هنگام مطالعه متون کلامی امامیه آشکار می‌نماید.

۲. تأثیرپذیری کلام امامیه از کلام اشعری

در خصوص چندوچون تعاملات و تأثیر و تأثرات میان کلام امامیه و کلام اشعری در قرون میانی اسلامی تا آنجا که نگارنده می‌داند، هیچ تحقیق درخور توجهی صورت نگرفته است. می‌دانیم که در قرون هفتم و هشتم هجری قمری میان متکلمان امامی همچون خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ هـ.ق) و علامه حلی (د: ۷۲۶ هـ.ق) از یکسو و متکلمان و فیلسوفان اشعری شافعی مثل نجم‌الدین کاتبی قزوینی (د: ۶۷۵ هـ.ق) و انیرالدین ابهری (د: ۶۶۳ هـ.ق) و شمس‌الدین کیشی (د: ۶۹۵ هـ.ق) و شمس‌الدین خسروشاهی تبریزی شافعی (د: ۶۵۲ هـ.ق) و حتی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (د: ۷۱۸ هـ.ق). که از دین یهودی به اسلام اشعری تغییر کیش داده بود. از سوی دیگر، روابط علمی گسترده بی‌نظیری وجود داشته است. مکاتبات و مناظرات علمی و نیز پیوندهای استادی و شاگردی میان این متکلمان امامی و اشعری به خوبی نشان‌دهنده روابط نزدیک و تعاملات فکری میان آنها در دوره یادشده است. این وضعیّت در واقع موقعیتی استثنائی و نادر در تاریخ تعاملات اندیشگی بین امامیه و اشاعره بود که پیش از آن نظیری نداشت. پس از آن دوره نیز ارتباطات علمی پیشین میان متکلمان امامی و اشعری استمرار نیافت. نسل بعدی متکلمان امامی همچون فخرالمحققین (د: ۷۷۱ هـ.ق) و رکن‌الدین جرجانی (زنده در ۷۲۸ هـ.ق) و نصیرالدین کاشانی (د: ۷۵۵ هـ.ق) و فاضل مقداد (د: ۸۲۶ هـ.ق) که بیشتر در حله ساکن بودند ارتباط چندانی با متکلمان اشعری هم‌عصر خود نداشتند و دیگر از آن تعاملات نزدیک و دامنه‌دار پیشین با اشاعره خبری نیست.

خواجه نصیرالدین طوسی احتمالاً از نخستین فیلسوف متکلمان امامی است که به تعامل نزدیک با عالمان اشعری پرداخت. او از یک طرف استاد فیلسوف بزرگ اشعری، قطب‌الدین شیرازی (د: ۷۱۰ هـ.ق) بوده است و از طرف دیگر، مدتی در نیشابور نزد دو عالم برجسته شافعی اشعری که هر دو شاگرد فخررازی نیز بوده‌اند، تحصیل کرده بوده است: یکی، قطب‌الدین مصری (د:

در واقع، تنها با مقایسه و مطالعه همزمان آثار کلامی مهم مکاتب یادشده است که میزان و مواضع تأثیرپذیری آنها از یکدیگر در موضوعات و مسائل مختلف کلامی روشن می‌شود و آنگاه آموزه‌ها و روش‌های ابتکاری متکلمان، یا تقلیدها و اقتباس‌های آنان از یکدیگر معلوم می‌گردد. بدون مقایسه و لحاظ متون سایر مکاتب در تحقیقات کلامی ممکن است پژوهش ما در معرض آسیب عدم شناخت صحیح خاستگاه‌ها و ریشه‌های تاریخی آموزه‌های عقیدتی قرار گیرد. در نتیجه، ممکن است ابداع نظریه یا استدلالی را به مکتب یا متکلمی اسناد دهیم در حالی که به واقع، ارائه آن نظریه یا استدلال صرفاً نتیجه اقتباس از آثار متکلمان فرقه دیگری بوده باشد.

اهمّیّت این مطلب، خصوصاً با توجه به سنت ناشایست اما متداول رونویسی نویسندگان مسلمان از آثار یکدیگر که اغلب در نگاهته‌های خود به نقل گسترده از آثار عالمان پیشین پرداخته‌اند بی‌آنکه اشاره‌ای به مرجع و مأخذ خویش بنمایند، بیشتر آشکار می‌گردد. بسیاری از نویسندگان مطالبی را در آثار خویش آورده‌اند که خواننده در نگاه نخست گمان می‌کند از تراوشات ذهنی نویسنده و ریخته قلم خود اوست، در حالی که با مقایسه و انطباق با متون گذشته یا هم‌عصر آن آثار معلوم می‌گردد که تمام یا بیشتر آنها برگرفته و مقتبس از نوشته‌های پیشینیان است. نمونه‌های این اخذ و اقتباس‌ها. که البته امروزه بدان لقب «انتحال» یا «سرقه ادبی» می‌دهند. بسیار زیاد است و اکنون مجال طرح نمونه‌های رنگارنگ آن نیست.^۵

۵. یک نمونه تاریخی از این‌گونه انتحال‌ها را فخررازی درباره سرقه مطالب ابوالحسین بصری معتزلی به دست شخصی به نام ابو محمد بن حسین بن عیسی چنین گزارش کرده است: «والعجب من أبي محمد بن الحسين بن عيسى، المعروف بابن العارض، صاحب كتاب النكت و كتاب المسائل في أصول الفقه، أنه ما ذكر شيئاً في هذين الكتابين إلا ما شاء الله. يسوي ما أخذ من المعتمد في أصول الفقه لأبي الحسين؛ ثم أنه يحكي عن أبي القاسم والقاضي وغيرهما، وما ذكر أبا الحسين لا بالقليل ولا بالكثير. وإذا حاول اختيار قول أو تفضيل في شيء من المسائل أخذ قول أبي الحسين، ثم ينسبه إلى نفسه؛ وذلك

من سوء المعاملة. نسأل الله أن يعصمنا منه». الرازي، فخرالدین، الرياض المونقة في آراء أهل العلم، ص ۲۹۷.

۶. مدرّس رضوی، محمدتقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۲۴۰-۲۴۱.

۶۱۸ هـ.ق) که از او طب و حکمت را فراگرفته،^۷ و دیگری، فریدالدین داماد^۸ که در محضر وی اشارات ابن سینا را خوانده بوده است.^۹ همچنین او در بغداد یا موصل از کمال‌الدین بن یونس موصلی (د: ۶۳۹ هـ.ق) ریاضی دان و منجم اشعری شافعی کسب دانش کرده بوده است.^{۱۰}

مباحثات و مکاتبات و مناقشات متعدّد و متنوّع خواجه نصیر با فیلسوفان و متکلمان اشعری همچون نجم‌الدین کاتبی قزوینی^{۱۱} و آئیرالدین ابهری و شمس‌الدین کیشی و شمس‌الدین خسروشاهی تبریزی شافعی شواهد و جلوه‌هایی از تعاملات علمی نزدیک میان رئیس امامیه در عصر خود و بزرگان اشعری است. عبارات بسیار احترام‌آمیزی که آنان در مکاتبات خود در حق یکدیگر به کار برده‌اند بسیار شایان توجه و عبرت‌آموز است. در یکی از این مکاتبات، پس از پرسش و پاسخ‌ها و نقض و ابرام‌های مختلف از سوی خواجه و کاتبی، جناب کاتبی اشعری به حق و دقیق و متین و قوی بودن سخنان خواجه اعتراف می‌کند و او را بسیار می‌ستاید و از اینکه توانسته از دانش خواجه مستفید شود اظهار خشنودی می‌نماید:

لَمَّا تَأَمَّلْتُ فِي الْفَوَائِدِ التَّفَيْسَةَ وَ النَّكَتِ الشَّرِيفَةَ الَّتِي أَفَادَهَا مَوْلَانَا وَسَيِّدُنَا، الْمَوْلَى الْمَعْظَمُ، الصَّاحِبُ الْأَعْظَمُ، الْعَالِمُ الْعَادِلُ، وَالْمَنْعَمُ الْمَحْسَنُ، الْمَحَقُّ الْمَحَقَّقُ، أَعْلَمُ الْعُلَمَاءِ وَ الْحُكَمَاءِ الْمَحَقِّقِينَ، أَفْضَلُ الْمُتَقَدِّمِينَ وَ الْمُتَأَخِّرِينَ، نَصِيرُ الْمَلَّةِ وَ الْحَقُّ وَ الدِّينُ، سُلْطَانُ الشَّرِيعَةِ، بَرَهَانَ الْحَقِيقَةِ، مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ. أَدَامَ اللَّهُ ظِلَالَهُ وَ ضَاعَفَ جَلَالَهُ. فِي إِزَالَةِ الْخِيَالَاتِ الَّتِي عَرَضَتْ لِي عَلَى الْأُجُوبَةِ الَّتِي ذَكَرَهَا لِأَسْئَلَةٍ وَ مُنَوِّعِ صَدْرَتِ مَنْى عَلَى الْبَرَاهِينِ الْمَنْقُولَةِ عَنِ الْحُكَمَاءِ فِي إِثْبَاتِ مَوْجُودٍ وَاجِبِ لِدَاتِهِ. جَلَّتْ قَدْرَتُهُ وَ عُلْتُ كَلِمَتُهُ. فَوَجَدْتُهَا فِي غَايَةِ مَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْحَسَنِ وَ الدَّقَّةِ وَ الْمَتَانَةِ وَ الْقُوَّةِ، وَافِيَةً بِإِزَالَةِ تِلْكَ الْخِيَالَاتِ، كَافِيَةً فِي إِطْلَالِ مَا يُخَيَّلُ لِي مِنَ التَّمَوِّيَّهَاتِ، مُطَابِقَةً لِلْحَقِّ الصَّرِيحِ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ، خُصُوصاً الطَّرِيقَةَ الَّتِي اخْتَرَعَهَا فِي تَقْرِيرِ بَرَهَانِ التَّطْبِيقِ. وَ إِنِّي غَفَلْتُ عَنِ تَحْقِيقِ مَرَامِهِ وَ تَطْبِيقِ كَلَامِهِ فِيهَا، لِقُصُورِي وَ عَجْزِي عَنِ إِدْرَاكِ مَخْتَرَعَاتِهِ. وَ كَيْفَ لَا يَعْجُزُ مِثْلِي عَنِ ذَلِكَ، فَإِنَّ الْمَحَقِّقِينَ مِنَ الْمُتَقَدِّمِينَ الْمُبْدِعِينَ لِأَنْوَاعِ الْعُلُومِ. لَوْ كَانُوا مَوْجُودِينَ. لِحَقِيقَتِهِمْ أَنْ يَعْجُزُوا عَنْهُ غَايَةَ الْعَجْزِ. فَشَكَرْتُ اللَّهَ. تَعَالَى. عَلَى مَوْهَبَةِ تِلْكَ النِّعَمِ الْكَامِلَةِ وَ الْعَوَاطِفِ الشَّامِلَةِ لِأَهْلِ الْعِلْمِ، الَّتِي قَصَّرْتُ عَنِ فَهْمِهَا عَقُولَ الْأَوَّالِ وَ الْأَوَّالِ، وَ عَجَزْتُ عَنِ دَرْكِهَا وَ ضَبْطِهَا أَذْهَانُ الْحُدَّاقِ وَ الْأَفَاضِلِ ...^{۱۲}

در مقابل، خواجه نیز او را با عباراتی بسیار والا اینگونه مدح کرده است:

۷. همان، ص ۱۶۸ - ۱۶۹. درباره‌ی شاگردی خواجه نزد قطب‌الدین مصری تردیدهایی ابراز شده است. نگریید به: انصاری، حسن، مقدمه چاپ عکسی کتاب تلخیص المحض، ص بیست و دو، پاورقی ۱.
۸. مدرّس رضوی، محمدتقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۱۷۰.
۹. «وقد تلغّد فی المعقولات علی استاده فرید الدین داماد التیسابوری، عن السید صدر الدین الشرخسی. نسبة إلى بلدة يقال لها سرخس. وهو أخذ عن أفضل الدین الغیلانی، من أهل غیلان و هو تلمیذ أبی العباس اللوکوی نسبتة إلى بلاد يقال لها: لُکُوو و اللوکوی من تلامذة بهمنیار؛ و هو من تلامذة الشیخ أبی علی الرّیسی و قد قرأ الشیخ المذكور کتاب «الإشارات» علی استاده فرید الدین المتقدّم بالسند المتصل بمصنّفه المذكور». الخوانساری، محمّد باقر، روضات الجنّات، ج ۶، ص ۳۱۴.
۱۰. احمد الرحيم احتمال داده است که شاگردی خواجه نزد فریدالدین داماد در نظامیه نیشابور و طی سال‌های ۶۱۰ تا ۶۱۸ هجری قمری بوده باشد. نگریید به:

al-Rahim, Ahmed H., "the twelver-shi'i reception of Avicenna in the Mongol period", p. 223.

۱۰. مدرّس رضوی، محمدتقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۱۷۹.

۱۱. درباره‌ی مکاتبات فلسفی و کلامی میان طوسی و کاتبی نگریید به: واعظ جوادی، اسماعیل، محاکمات فلسفیه یادآوری بین نصیرالدین طوسی و دبیران کاتبی، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.

۱۲. الطوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصيرية، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.

در بررسی تطوّرات کلام امامیه لحاظ همین دادوستدهای اندیشگی میان این مکتب و سایر مکاتب کلامی و فلسفی بسیار حائز اهمیت است.

**بدون مقایسه و لحاظ متون
سایر مکاتب در تحقیقات
کلامی ممکن است پژوهش
ما در معرض آسیب عدم
شناخت صحیح خاستگاه‌ها و
ریشه‌های تاریخی آموزه‌های
عقیدتی قرار گیرد.**

المخاطبة العالیة الواردة من حضرة مولانا، الإمام المعظم، العالم الكامل، المحقق المدقق، نجم الملة والدين، عز الإسلام والمسلمين، ملك العلماء فى العالمين، الكامل المحقق المدقق، نجم الملة والدين، علامة العصر، أفضل العالم. أدام الله علوه، وحرس مجده. إلى داعيه المخلص، محمد بن محمد بن الحسن الطوسى، المُستفيد من نتائج خواتره الفياضة، المُقتبس من أنوار علومه الكاشفة عن دقائق الحقائق، وصلت إليه، فقبلها ألفاً، ولتمها حرفاً حرفاً، ونظر فيها، فوجدها مشتملة على المدح والثناء على من لا يستحق ذلك ولا دونها. وكان المرجو من تيار بحره الزاخر، إفادة الأسرار وإفاضة الأنوار فى البحث الذى هو أهم المهتمات وأعظم المطالب. فتفرس من ذلك أنه. أدام الله أيامه. وجد داعيه غير مستعد لنواديراته والتنبية لدقائق مباحثه، فأراد قطع الكلام معه على وجه أجمل، والحكم له فى كل إيراد وإصدار، وليس لمثل الداعى على علامة مثله اعتراض. فوقف حيث أوقفه، وأقام حيث قطع عنه فوائده، وهو على كل حال داعٍ لأيامه، ذاكرٌ لإتمامه، فالله تعالى. يجزيه خير الجزاء ويحصل مطالبه كما شاء.^{۱۳}

چنین تعارفات صمیمانه و ستایشها میان دانشمندی امامی با دانشوری شئی اشعری بسیار جالب توجه و کم نظیر است.

شاگرد خواجه، علامه حلی نیز مدتی تلمیذ فیلسوف و متکلم معروف اشعری، شمس‌الدین کیشی شافعی بوده است و او را اینچنین ستوده:

این شیخ از برجسته‌ترین دانشوران شافعی بود و در شمار منصف‌ترین مردمان در بحث و گفت‌وگو قرار داشت. من نزد او درس می‌خواندم و گاه براو اعتراضاتی وارد می‌کردم، پس اندیشه‌ای می‌کرد و آنگاه با جواب می‌داد یا می‌گفت در این باره می‌اندیشم و بعد از این، پرسش را دوباره از من بازپرس. پس من یکی دو سه روزی بعد مجدد سؤال را می‌پرسیدم، پس او گاهی جواب می‌داد و گاه می‌گفت: توان پاسخ‌گفتن به این پرسش را ندارم.^{۱۴}

همو به شاگردی خویش نزد عالم اشعری برجسته نجم‌الدین کاتبی قزوینی نیز تصریح کرده و او را از فضایل زمان خود و آگاه‌ترین دانشمندان در منطق دانسته که به اخلاق نیک متصف بوده و از برترین عالمان شافعی به حساب می‌آمده است.^{۱۵} علامه بردو کتاب مهم کاتبی نیز شرح نگاشت: وی ایضاً المقاصد را در شرح بر حکمة العین کاتبی نوشت و القواعد الجلیة را در شرح اثر منطقی مشهور، الرسالة الشمسية تحریر کرد.

علامه همچنین با وزیر و مؤرخ و متکلم سرشناس اشعری، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نیز روابط و تعاملات علمی نزدیکی داشته و همواره او را می‌ستوده است.^{۱۶} خواجه رشیدالدین نیز به نحو متقابل، برای

۱۳. همان، ص ۱۵۴.

۱۴. «ومن ذلك جميع ما صنفه الشيخ المعظم شمس الدين محمد بن محمد بن أحمد الكيشي في العلوم العقلية والنقلية وما قرأه ورواه وأجيز له روايته، عنى عنه، وهذا الشيخ كان من أفضل علماء الشافعية وكان من انصف الناس في البحث، كنت أقره عليه وأورد عليه اعتراضات في بعض الأوقات فيفكر ثم يجيب تارة وتارة أخرى يقول حتى نفكر في هذا عاودني هذا السؤال، فأعاده يوماً ويومين وثلاثة فتارة يجيب وتارة يقول: هذا عجزت عن جوابه». المجلسي، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۶۶.

۱۵. «ومن ذلك جميع ما صنفه شيخنا السعيد نجم الدين علي بن عمر الكاتبى القزوينى ويعرف بدبيران وما قرأه ورواه أو أجيز له روايته، عنى عنه كان من فضلاء العصر وأعلمهم بالمنطق وله تصانيف كثيرة قرأت عليه شرح الكشف إلا ما شد، وكان له خلق حسن ومناظرات جيدة وكان من أفضل علماء الشافعية عارفاً بالحكمة». همان.

۱۶. اوصافى که علامه در برخی آثار خود در مدح خواجه رشید آورده است جالب توجه است. برای نمونه، علامه حلی در رساله‌ای به نام «الفرق بین کلام النبى و قول الوصى» که مشتمل است بر پاسخ‌های وی به چند پرسش خواجه رشید از او، در وصف خواجه رشید چنین نوشته است: «فإننى لثما حضرت بين يدي المخدوم الأعظم، صاحب الكبير المعظم، مولى النعم ومفيض الجود والكرم، مخدوم وزراء الممالك شرقاً و

کلامی خودشان در برخی جهات از آن بهره‌مند و متأثر نیز بوده‌اند.^{۲۳} در طرف مقابل و تنها برای مثال، شرح نصیرالدین کاشانی بر طوابع الأتوار بیضاوی نمونه‌ای از توجه و ارتباط متکلمان امامی حله با کلام اشعری است.^{۲۴} کتاب طوابع الأتوار نوشته قاضی ناصرالدین بیضاوی (د: ۶۸۵ هـ.ق) یکی از مهم‌ترین آثار کلامی اشاعره در دوره میانی است که شرح نصیرالدین کاشانی بر آن حکایت از آشنایی عمیق وی با کلام اشاعره دارد. قاضی نورالله شوشتری در وصف این شرح گفته است: و یکی دیگر از مصنفات شریفه آن تحریر مدقق، شرح طوابع قاضی بیضاوی است و در آنجا سخنان به‌رتبه^{۲۵} دارد.^{۲۶}

کاشانی همچنین به تدریس دیگر کتاب مهم بیضاوی در کلام اشعری، یعنی مصباح الأرواح اشتغال داشته و شمس‌الدین محمد بن صدقه حلی یکی از متکلم امامی حلی، این کتاب را به‌طور کامل نزد او خوانده بوده است.^{۲۷} افزون بر این، نصیرالدین بر شرح قطب‌الدین رازی (د: ۷۶۶ هـ.ق) بر کتاب منطقی شمسیه تألیف نجم‌الدین کاتبی قزوینی (د: ۶۷۵ هـ.ق) موسوم به تحریر القواعد المنطقية نیز حاشیه‌ای نگاشته است که میر سید شریف جرجانی، متکلم بزرگ اشعری، به پاره‌ای از نقدهای کاشانی پاسخ گفته است.^{۲۸} چنان‌که بیان شد نمونه‌های این شرح و نقدها میان متکلمان امامی و اشعری در دوره پس از خواجه نصیرالدین طوسی فراوان است.

موارد یادشده تا حدودی حکایتگر از ارتباطات و تعاملات علمی میان متکلمان امامی و اشعری در قرون میانی است، اما آنچه در این مقال مورد توجه اصلی است اشاره به اصل اثرپذیری متکلمان

او احترام خاص قائل بوده و به وی اکرام ویژه می‌نموده است.^{۱۷} مباحثات علامه حلی با خواجه رشید در مسائل مختلف کلامی و فلسفی نشانگر ارتباط علمی نزدیک آنها با یکدیگر بوده است. یک نمونه آن مباحثات فلسفی، در شرحی که علامه حلی بر کتاب الشفاء ابن سینا با عنوان کشف الخفاء فی شرح الشفاء نگاشته است،^{۱۸} انعکاس یافته. او در این شرح که ظاهراً حاصل مباحثات او با رشیدالدین درباره متن شفاء در جلسات متعدد بوده است،^{۱۹} هم به دیدگاه‌های خود اشاره کرده و هم آراء رشیدالدین را با یادکرد از او با عناوینی همچون «قال أفضل العصر خواجه رشیدالدین»^{۲۰} و «قال أفضل العصر خواجه رشید الملة والدین عزت انصاره»^{۲۱} بازتاب داده است.

پس از این دوره، ارتباط نزدیک و تعامل پویای پیشین متکلمان امامی با متکلمان اشعری تقریباً از میان رفت و این ارتباط بیشتر به شکل مکتوب و در قالب نگارش شروع و ردود بر آثار کلامی یکدیگر ادامه یافت. نگارش دو شرح بر تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی از سوی دو متکلم بزرگ اشعری، یکی شرح شمس‌الدین محمود اصفهانی (د: ۷۴۹ هـ.ق) زیر عنوان تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد که به شرح قدیم تجرید نیز معروف است.^{۲۲} و دیگری، شرح ملاعلی بن محمد قوشچی (د: ۸۷۹ هـ.ق) که به شرح جدید تجرید نیز نامور است، نمونه‌هایی است از ارتباط مکتوب متکلمان اشعری با کلام امامیه. متکلمان اشعری پس از خواجه به تجرید الاعتقاد توجه ویژه‌ای داشته‌اند و در نگاشته‌های

غرباً و بعداً و قرباً، المخصوص بالنفس القدسیة، المتمیز عن بني نوعه بالرئاسة الإنسیة، الحائز لکمال النفس، الفائز بالنهم العلی من حضیرة القدس، ربانی الزمان، وأوحد الأقران، فرید عصره، ووحید دهره، المترقی بنظره الناقد إلى ذروة العلی، و المتعالی بفکره الصائب إلى أوج المجد والسنن، مرتبی العلماء، و مقتدی الفضلاء «رشید الملة و الحق والدین» عزّ الله بدم دولته الإسلام والمسلمین، وأمدّه بالسعادات الأبدیة، و آئده بالعنايات الرئیة. فوجدته بحرّاً زخراً تتلاطم أمواجه، و تیاراً فائضاً لا یدرك فجاجه، قد أحاط بالقوة الإلهیة علی جمیع ما حضله الحكماء، وأشرف بالعناية الألیة علی دقائق أنظار العلماء، تنفجر نیا بیع الحكمة علی لسانه، و تنطبع صور المعقولات كما هي فی قلبه، و جنبانه موهبة من الله تعالی لدیه، و انعاماً منه فائضاً علیه. الحلی، الحسن بن یوسف، رساله الفرق بین کلام النبوی و قول الوصی، چاپ شده به همراه: استقصاء النظر فی القضاء و القدر، ص ۹۱-۹۲.

۱۷. نگرید: اشمنتکه، زابینه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ص ۳۹.

۱۸. از کشف الخفاء یک نسخه تاکنون یافت شده که مشتمل بر مجلد دوم این کتاب در شرح بر بخش مقولات کتاب شفاء است. این کتاب هم‌اکنون در دست تصحیح است.

۱۹. نگرید به مقاله مسبوط رابرت ویسنوفسکی درباره کتاب کشف الخفاء (در دست انتشار):

Wisnovsky, Robert, "On the emergence of Maragha Avicennism".

۲۰. برای نمونه نگرید به: الحلی، الحسن بن یوسف، کشف الخفاء فی شرح الشفاء، نسخه خطی شماره ۵۱۵۱. Ar. کتابخانه جستریتی دویلین، برگ ۱۴ ب.

۲۱. همان، ب ۶۰ ب.

۲۲. الاصفهانی، شمس‌الدین محمود، تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد، تحقیق: دکتر خالد بن حنّاد الغدوانی، دارالضیاء، کویت، ۱۴۳۳ قمری ۲۰۱۲ م.

۲۳. در این خصوص نگرید به: سلیمان، عباس، تطوّر علم الکلام إلى الفلسفة و منهجها عند نصیرالدین الطوسی (دراسة تحليلية مقارنة لکتاب تجرید العقائد)، ص ۳۶.

۲۴. درباره این شرح نگرید به: عطائی نظری، حمید، نصیرالدین کاشانی و نگاشته‌های کلامی او، چاپ شده در مجله: آینه پژوهش، سال ۲۸، ش ۱۶۴، خرداد و تیر ۱۳۹۶، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۲۵. اصطلاح «به‌رتبه» ظاهراً به معنای «مطالب عالی» است. میرزا عبدالله افندی، که در بیان سرگذشت نصیرالدین کاشانی عمدتاً مطالب قاضی نورالله در مجالس المؤمنین را در کتاب خودش برگردان و بازگو کرده است، اصطلاح «به‌رتبه» را به «مطالب جلیل» ترجمه کرده است: «و من مؤلفات هذا المولى أيضا شرح طوابع القاضي البيضاوي، و أورد مطالب جلیلة». افندی الاصفهانی، مولی عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۱۸۱.

۲۶. شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۵۳۳.

۲۷. الأئمن، السید محسن، أعيان الشیعة، ج ۹، ص ۳۷۴.

۲۸. قاضی نورالله در باب حواشی کاشانی بر شرح شمسیه خاطر نشان کرده که: «مجزد اعتراضات و تدقیقات است و سید المحققین، قدس سره الشریف، در حاشیه خود متصدی دفع بعضی از آن گردیده». شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۵۳۳.

امامی در پاره‌ای رویکردها و آراء خود از متکلمان اشعری در این دوره است.

به نظر می‌رسد اثرگذارترین متکلم اشعری بر کلام امامیه امام اشاعره فخررازی (د: ۶۰۶ هـ.ق) بوده است. فخررازی که براساس نقل برخی منابع شاگرد متکلم برجسته امامی سدیدالدین حتمی رازی بوده است،^{۲۹} نقطه عطفی در کلام اشعری و به گمان راقم سطور در کل کلام اسلامی، به شمار می‌آید که دیدگاه‌ها و نگاه‌ها هم بر متکلمان بعدی اشعری تأثیر بسیار نهاده و هم بر متکلمان امامی. ذهن نقاد و وقاد اندیشه پویای او سبب تمایز آثار کلامی او از متکلمان پیشین اشعری شده است به گونه‌ای که ابتکار طرح بسیاری از مسائل و اشکالات و پاسخ‌ها در کلام اشعری میانه را باید از ناحیه او دانست.

افزون بر این، فخررازی نقش مهمی در ترویج کلام فلسفی در اشاعره ایفا نمود و به همین سبب تحوّل شایان توجه را در کلام اشعری پدید آورد. گرچه گرایش برخی از متکلمان اشعری به فلسفه ابن سینا از زمان جوینی و غزالی باعث شده بود که روش‌ها و مفاهیم و اصطلاحات فلسفی به تدریج وارد کلام اشعری شود، این جریان با کوشش‌های فخررازی گسترش و پیشرفت بسیار یافت.

فخررازی اگرچه با بسیاری از مبانی و قواعد و آراء فلاسفه مخالف بود و در ردّ و طرد آنها در آثار خویش از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد، دانشی وافر در فلسفه داشت و خود از پاره‌ای اصطلاحات و قواعد فلسفی در مباحث کلامی استفاده می‌نمود. بعید نیست که همین گرایش فلسفی او موجب شده باشد که به تعبیر خود فخر، بسیاری از اهل سنت او را خارج از قلمرو اهل سنت و جماعت بدانند.^{۳۰}

او خود تصریح کرده که در آغاز اشتغال به تحصیل علم کلام، به آموختن کتب فلاسفه اشتیاق داشته است برای آنکه بتواند به ردّ آنها بپردازد و به همین جهت، مدتی از عمر خویش را صرف یادگیری فلسفه کرده است. او سپس به فهرستی از آثار خود اشاره می‌کند که در ردّ برفلاسفه و شبهات آنها نوشته شده است از جمله نه‌ایه العقول، المباحث المشرقیة، الملخص و شرح الإشارات و ...^{۳۱}

۲۹. ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی، لسان المیزان، ج ۷، ص ۳۹۹ - ۴۰۰؛ الفیروزآبادی، مجدالدین، القاموس المحیط، ص ۵۶۸ (حمص).

۳۰. «فإن الأعداء والحساد لا يزالون يطعنون فينا وفي ديننا مع ما بذلنا من الجهد والاجتهاد في نصره اعتقاد أهل السنة والجماعة. ويعتقدون أني لست على مذهب أهل السنة والجماعة. وقد علم العالمون أنه ليس مذهبي ولا مذهب أسلافي إلا مذهب أهل السنة والجماعة». الرازي، فخرالدین، اعتقادات الفرق المسلمين والمشرکين، ص ۹۲.

۳۱. «وکننا نحن في ابتداء اشتغالنا بتحصیل علم الکلام تشوقنا إلى معرفة کتبهم لنرد عليهم فصرنا شطراً صالحاً من العمر في ذلك. حتی وقفنا الله تع في تصنیف کتب تضمن الرد

مقایسه متون کلامی متکلمانی چون ابن میثم بحرانی و نصیرالدین طوسی و علامه حلی با آثار کلامی فخررازی در موضوعات مختلف، نشان می‌دهد که ردّ پای آثار و آراء فخر در مواضع قابل توجهی از متون کلامی متکلمان نامبرده قابل مشاهده است.^{۳۲} اگرچه خواجه نصیر با نگارش نقد المخصّل و شرح اشارات و تبیهات به مصاف نگاه‌ها و اندیشه‌های فخررازی رفته است و در موارد و مواضع بسیاری به نقد آنها پرداخته، در عین حال از پاره‌ای آثار و آراء فخر رازی استفاده نیز کرده است و احتمالاً ایده‌هایی از آنها برگرفته باشد.

به همین نحو، با وجود نقدهای تند علامه بر فخررازی اشعری، اثرگذاری افکار و آثار فخررازی. که علامه از وی با عنوان «افضل المتأخرين» یاد کرده است^{۳۳}. بر آثار و افکار علامه غیرقابل انکار است.^{۳۴} در مواردی می‌توان نشان داد که مطالب علامه در باب یک موضوع صرفاً رونوشتی است از بعضی آثار فخررازی.^{۳۵}

شاید یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اثرگذاری فخررازی بر کلام امامیه واسطه‌گری او در انتقال سبک و رویکرد فلسفی به مسائل و مباحث کلامی باشد. به نظر می‌رسد فخررازی واسطه ورود کلام فلسفی به کلام امامی بوده است و اثرگذاری او بر کلام امامیه هم بیشتر از همین حیث و همچنین از جهت ساختار و نوع پرداخت به مسائل و مطالب کلامی بوده است. بدیهی است که برای تعیین کم و کیف اثرگذاری فخررازی و تأثیرات احتمالی متکلمان اشعری پس از او مثل قاضی بیضاوی و سعدالدین تفتازانی و میرسید شریف جرجانی بر متکلمان امامی باید پژوهش‌های جداگانه‌ای صورت گیرد. همچنین اقبال متکلمان امامی به آراء و آثار غزالی (د: ۵۰۵ هـ.ق) و اخذ و اقتباس احتمالی آنها از وی نیز موضوع یک پژوهش

علیهم کتتاب نهاية العقول، و کتاب المباحث الشرقيّة، و کتاب الملمخص، و کتاب شرح الإشارات، و کتاب جوابات المسائل النجارية، و کتاب البیان والبرهان في الرد علی أهل الزيغ والطغيان، و کتاب المباحث العمادية في المطالب المعادية، و کتاب تهذيب الدلائل في عيون المسائل، و کتاب إشارة النظائر إلى لطائف الأسرار. وهذه الكتب بأسرها تتضمن شرح أصول الدين وإبطال شبهات الفلاسفة وسائر المخالفين. وقد اعترف الموافقون والمخالفون أنه لم يصنف أحد من المتقدمين والمتأخرين مثل هذه المصنفات». همان، ص ۹۱ - ۹۲.

۳۲. پیش از این، تأثیرپذیری متکلمان امامی از فخررازی در شیوه طرح مسائل کلامی و ساختار آثار مورد توجه و اشاره قرار گرفته است. نگرید به: انصاری، حسن، مقدمه چاپ عکسی کتاب تلخیص المحضّل، صص بیست، بیست و یک، بیست و هفت.

۳۳. برای نمونه نگرید به: الحلی، الحسن بن یوسف، نه‌ایه المرام في علم الکلام، ج ۲، ص ۱۹۰.

۳۴. تأثیرپذیری علامه از فخررازی در برخی تحقیقات اخیر نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه نگرید به: اشمیتکه، زابینه، اندیشه‌های کلامی علامه حلی، ص ۲۴۳.

۳۵. از برای نمونه مقایسه کنید مطالب موجود در صفحات ۱۶۸ تا ۲۲۲ جلد دوم از کتاب نه‌ایه المرام علامه حلی را با مطالب وارد شده در صفحات ۴۶۸ تا ۵۰۰ جلد اول المباحث المشرقیة فخررازی که تقریباً در بسیاری از مواضع رونوشتی است از عبارات فخررازی و البته اغلب به رسم نگارشی عالمان آن روزگار بی‌یادکرد از نام او.

مستقل می‌تواند واقع شود. چنان‌که بیان شد، هدف از بیان نکات یادشده در اینجا صرفاً تأکید بر اصل وجود تأثیر و تأثر میان نظام‌های کلامی امامی و اشعری و اهمیت توجه به آن در پژوهش‌های کلامی بود.

۳. تأثیرپذیری کلام امامیه از فلسفه سینوی

فلسفه ابن سینا به عنوان یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین مکاتب فکری شکل گرفته در تمدن اسلامی نه تنها سنت فلسفی ماندگاری از خود برجای گذاشت، بلکه ماجرای فکر کلامی در عالم اسلام را نیز تحت تأثیر خود قرار داد و تحوّل شگرف در آن پدید آورد. بررسی تأثیری که فلسفه ابن سینا بر کلام اسلامی نهاد از موضوعات بسیار مهم قابل بحث در سیر تطوّر و تحوّل اندیشه کلامی در تمدن اسلامی است.

تعالیم فلسفی ابن سینا هم بر کلام شیعه و هم بر کلام اهل سنت تأثیرات قابل توجهی گذاشت و موجب پیدایی تحولاتی مهم در این مکاتب شد. برخی از مسائل مربوط به شناخت جهان پیرامونی که زیر عنوان طبیعیات بررسی می‌شود هم در فلسفه و هم در کلام اسلامی مطرح بوده است و از این رو طبیعی بود که طبیعیات فلسفه سینوی بر مباحث طبیعیات علم کلام، که مباحث «لطیف» یا «دقیق» کلام نام گرفته است نیز اثرگذار باشد. از سوی دیگر، موضوع اثبات مبدأ هستی و صفات او که تحت نام «الهیات بمعنی الأخص» در فلسفه مطرح شده است، مهم‌ترین و اصلی‌ترین مبحث در علم کلام نیز هست و طبعاً مباحث مطرح در فلسفه می‌توانسته موجب بروز تحولاتی در چگونگی پرداخت متکلمان به این موضوعات در علم کلام گردد.

برای آنکه دامنه و حوزه‌های اثرگذاری فلسفه ابن سینا بر کلام اسلامی به نحو دقیق روشن شود باید هر یک از مکاتب کلامی در تعامل با فلسفه ابن سینا را به طور جداگانه از این حیث مورد بررسی قرار داد. کلام اشعری و متأثریدی و همچنین کلام معتزلی و شیعی از جمله مهم‌ترین مکاتب کلامی در تمدن اسلامی هستند که تشریح نحوه تعامل و مواجهه آنها با سنت فلسفه سینوی اهمیت شایانی دارد. در تحقیقات اخیر ابن سینا شناسان و کلام‌پژوهان غربی تبیین فراخنا و گستره اثرگذاری فلسفه ابن سینا بر کلام اسلامی به ویژه کلام اشاعره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گشته و مطالعات گسترده‌ای در این راستا صورت گرفته است. از تحقیقات برجسته در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های رابرت ویسنوفسکی در کتاب «متافیزیک ابن سینا»^{۳۶} اشاره کرد که در فصلی از آن، تحوّل پدیدآمده در کلام اهل سنت (یعنی اشاعره و متأثریدی) بر اثر ورود اندیشه‌های فلسفی ابن سینا را بررسی کرده است.^{۳۷} همچنین نقش سنت فلسفی ابن سینا در گرایش کلام اشعری به اندیشه فلسفی و پیدایی مکتب کلام فلسفی در اشاعره به دست فخر رازی (د: ۶۰۶ ه.ق)

کلام امامیه در ادوار مختلف تکوین و تکامل خود، با دو نظام کلامی معتزله و اشاعره و همچنین فلسفه ابن سینا در تعامل نزدیک بوده و از آنها تأثیرات قابل توجهی پذیرفته است. دو مکتب فکری فلسفه اشراقی شیخ شهاب‌الدین سهروردی و عرفان نظری ابن عربی نیز در مقاطعی، در پاره‌ای مسائل و موضوعات بر برخی متکلمان امامی و تحوّل دانش کلام در امامیه اثرگذار بوده است. فلسفه ملاصدرا نیز در چند قرن اخیر تأثیرات فراوانی بر اندیشه متکلمان امامی داشته است.

36. Wisnovsky, Robert, *Avicenna's Metaphysics in Context* (London/Ithaca, N.Y., 2003).

ترجمه فارسی نه چندان دقیق و استوار کتاب یادشده با مشخصات زیر منتشر شده است: متافیزیک ابن سینا، رابرت ویسنوفسکی، ترجمه: مهدی نجفی افرا، نشر علم، تهران، ۱۳۸۹.

۳۷. ویسنوفسکی در فصل سیزدهم این کتاب به تأثیر نظریه واجب‌الوجود بودن خداوند که در فلسفه ابن سینا بطور کامل تئوریزه و بر آن تأکید شده بود، بر مباحث جاری در کلام اسلامی، به ویژه در مبحث تبیین صفات الهی و نسبت آنها با ذات خداوند، پرداخته است و نشان داده که چگونه متکلمان پس‌اسینوی اهل سنت از واجب‌الوجود بودن خداوند برای رفع ابهامات موجود در کلام اشاعره و متأثریدی در مسأله نسبت ذات خداوند با صفاتش بهره برده‌اند. تفصیل این بحث را نگریه‌د:

Wisnovsky, Robert, *Avicenna's Metaphysics in Context*, pp. 227-243.

فصل یادشده از این کتاب بعدها در قالب مقاله‌ای جداگانه همراه با اصلاحات و اضافاتی دوباره به چاپ رسید. نگاه کنید به:

Wisnovsky, Robert, "One Aspect of the Avicennian Turn in Sunni Theology", in: *Arabic Sciences and Philosophy*, vol. 14 (2004) pp. 65-100, Cambridge University Press.

ترجمه فارسی این مقاله با مشخصات زیر منتشر شده است:

ویسنوفسکی، رابرت، «سیمایی از گرایش به ابن سینا در کلام اهل سنت»، ترجمه: حمید عطائی نظری، مجله کتاب ماه دین، شماره ۱۷۹، شهریور ۱۳۹۱، ص ۸۴-۱۰۳.

ویسنوفسکی در مقاله‌ای دیگر نیز به موضوع اقتباس متکلمان شیعه و سنتی پس‌اسینوی از تمایزاتی که ابن سینا میان وجود و ماهیت، و بین واجب‌الوجود لذاته و واجب‌الوجود لغیر (ممکن‌الوجود لذاته) نهاده است پرداخته و آن را به تفصیل بررسی کرده است. نگاه کنید به:

Wisnovsky, Robert, "Avicenna and the Avicennian tradition", in: P. Adamson and R. Taylor (eds.), *The Cambridge Companion to Arabic Philosophy*, Cambridge, 2004.

مکاتبات و مناظرات علمی و نیز پیوندهای استادی و شاگردی میان متکلمان امامی و اشعری در قرون میانی به خوبی نشان‌دهنده روابط نزدیک و تعاملات فکری میان آنها در دوره یادشده است. این وضعیت در واقع موقعیتی استثنائی و نادر در تاریخ تعاملات اندیشگی بین امامیه و اشاعره بود که پیش و پس از آن نظیری ندارد.

از سوی برخی محققان مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است.^{۳۸} ریچارد فرانک نیز در ضمن چند نوشتار به بررسی تأثیر ابن سینا بر غزالی (د: ۵۰۵ ه.ق) پرداخته، نشان داده که وی تا چه اندازه متأثر از اندیشه‌های فلسفی ابن سینا بوده است.^{۳۹} پس از وی، فرانک گریفل در کتاب خودش با عنوان «الهیات فلسفی غزالی» بیشتر به این مسأله پرداخت و اثرپذیری غزالی از فلسفه نوافلاطونی و ارسطویی و همچنین سنت فلسفه سینوی را آشکارتر ساخت. به عقیده وی، دیدگاه‌ها و آراء غزالی در زمینه وجودشناسی و نفس انسان و نبوت، به طور خاص تحت تأثیر تعالیم فلسفی ابن سینا شکل گرفته است.^{۴۰} به تازگی نیز خانم هایدرون آیشنر در یک مطالعه گسترده، تأثیر سنت فلسفی ابن سینا را بر آثار و انظار برجسته‌ترین متکلمان اشعری از جمله غزالی و فخر رازی و همچنین بسط الهیات فلسفی در میان اهل سنت بررسی کرده است.^{۴۱} افزون بر تحقیقات فوق، تعامل و داد و ستد فکری ابن سینا با معتزله نیز مورد توجه بعضی از پژوهشگران واقع شده است.^{۴۲}

در میان محققان عرب، عباس سلیمان یکی از اندک محققانی است که به مسأله تأثیرپذیری کلام اسلامی از فلسفه ابن سینا پرداخته است. او در کتاب الصلة بين علم الکلام و الفلسفة في الفكر الإسلامي تأثیرات فلسفه ابن سینا را بر آراء و آثار کلامی خواجه نصیرالدین طوسی و ابن خلدون بررسی کرده است. وی زمینه‌ها و علل حقیقی فلسفی شدن علم کلام را عوامل زیر معرفی کرده است:

۱. استفاده متکلمان متأخر از مبانی و قواعد منطق ارسطویی در تعاریف و روش استدلال (مثل استفاده از جهات منطقی و جوب و امتناع و امکان و قاعده استحاله دور و تسلسل در علل و معلولات).
۲. بهره‌جویی از روش تأویل عقلی که راه را برای ورود هر چه بیشتر قواعد عقلی و فلسفی به علم کلام باز کرد.
۳. اثرگذاری فکر فلسفی اسماعیلیه بر فیلسوفان و متکلمانی چون ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی.^{۴۳}
۴. اثرگذاری فلسفه ابن سینا بر کلام اسلامی از حیث پرداخت به موضوعات کلامی با رویکرد فلسفی که موجب شکل‌گیری کلام فلسفی شد.^{۴۴}

اما در خصوص تعامل کلام امامیه با فلسفه سینوی، یکی از اندک تحقیقاتی که تا حدودی به مسأله تأثیرگذاری ابن سینا بر کلام شیعه و همچنین اقبال امامیه به فلسفه ابن سینا در دوران میانی پرداخته است

۳۸. از برای نمونه می‌توان به مقاله ایمن شحاده با عنوان «از غزالی تا رازی: پیشرفت‌های الهیات فلسفی اسلامی در قرن ششم» اشاره کرد. مشخصات نشر این مقاله به شرح ذیل است:

Shihadeh, Ayman, "From al-Ghazali to al-Razi: 6th/12th Century Developments in Muslim Philosophical Theology", in: Arabic Sciences and Philosophy, vol. 15 (2005) pp. 141-179.

۳۹. برای نمونه نگاه کنید به:

Frank, Richard M., Al-Ghazali and the Ash'arite School. Durham: Duke University Press, 1994.

همچنین نگرید به مقاله او با عنوان «استفاده غزالی از فلسفه ابن سینا» با مشخصات نشر زیر:

Frank, Richard M., Al-Ghazali's Use of Avicenna's Philosophy, Revue des etudes islamiques 55-57 (1987-89): pp. 271-85. Reprint in: Frank, Philosophy, Theology, and Mysticism in Medieval Islam. Text xi. 49.

40. Griffel, Frank, Al-Ghazali's Philosophical Theology, p. 7.

41. Eichner, Heidrun, The Post-Avicennian Philosophical Tradition and Islamic Orthodoxy. Philosophical and Theological summae in Context, Habilitationsschrift, Halle, 2009.

(هایدرون آیشنر، سنت فلسفی پسا سینوی و مذهب سنتی (عقیده متعارف) اسلامی، زمینه آثار جامع کلامی و فلسفی، رساله استادی، هاله، ۲۰۰۹).

۴۲. درباره تأثیرگذاری اندیشه‌های معتزله بر ابن سینا رجوع به مقاله زیر سودمند است. در این مقاله نویسنده با ارائه شواهدی سعی کرده نشان دهد که ابن سینا در برخی از آراء و دیدگاه‌های خود تحت تأثیر اندیشه‌های قاضی عبدالجبار معتزلی قرار گرفته است. نگاه کنید به:

Dhanani, Alnoor, "Rocks in the Heavens?! The Encounter between 'Abd al-Jabbār and Ibn Sīnā", in: Before and after Avicenna: proceedings of the First Conference of the Avicenna Study Group / edited by David C. Reisman ; with the assistance of Ahmed H. al-Rahim, BRILL, LEIDEN • BOSTON 2003.

۴۳. «ولا شك إن الجانب الفلسفي في فكر كثير من فلاسفة الإسلام: ابن سینا و نصیرالدین الطوسی كان مرتبطاً ارتباطاً وثيقاً بالفلسفة الإسماعيلية». سلیمان، عباس، الصلة بين علم الکلام و الفلسفة في الفكر الإسلامي (محاولة لتقويم علم الکلام و تجديده)، ص ۲۲۰. تعیین میزان و چگونگی اثرگذاری اندیشه اسماعیلیه بر ابن سینا و خواجه نصیر نیازمند تحقیقاتی جامع است.

۴۴. سلیمان، عباس، الصلة بين علم الکلام و الفلسفة في الفكر الإسلامي (محاولة لتقويم علم الکلام و تجديده)، ص ۲۱۷ - ۲۲۲.

به مناسبت بحث از تحقیقات مربوط به اثرگذاری فلسفه ابن سینا بر کلام اسلامی ذکر این نکته سودمند است که تأثیرات فلسفه یونانی بر کلام اسلامی نیز تاکنون موضوع چند رساله و تحقیق قرار گرفته است که از میان آنها می‌توان اشاره کرد به کتاب محمود محمّد عید نفیسه با عنوان «أثر الفلسفة اليونانية في علم الكلام الإسلامي».^{۴۹} نویسنده در این کتاب به بحث از تأثیرات تعالیم فلسفی حکمای یونانی در حوزه طبعیات و الهیات بر کلام اسلامی تا قرن ششم هجری قمری پرداخته است.

۴. تأثیرپذیری کلام امامیه از فلسفه اشراقی و عرفان ابن عربی

چند و چون اثرگذاری سه مکتب فکری فلسفه اشراقی شیخ شهاب‌الدین سهروردی (د: ۵۸۷ هـ.ق) و عرفان ابن عربی (د: ۶۳۸ هـ.ق) و حکمت متعالیه مآصدرا (د: ۱۰۵۰ هـ.ق) بر اندیشه متکلمان امامی و کلام شیعی، از مسائل مهم در تاریخ کلام امامیه است که در باب آن تاکنون تحقیقات قابل توجهی صورت نگرفته و همچنان نیازمند به پژوهش‌های گسترده است.

بر اساس پژوهش‌هایی که تاکنون به سامان رسیده، ظاهراً نخستین تأثیرپذیری‌ها از عرفان ابن عربی در کلام امامیه به متکلمان حوزه بحرین مربوط می‌شود. برخی از متکلمان امامی بحرین همچون کمال‌الدین ابوجعفر احمد بن علی بن سعید بن سعاده معروف به ابن سعاده بحرانی (د حدود: ۶۴۰ هـ.ق) و به ویژه شاگرد او علی بن سلیمان بحرانی (د حدود: ۶۷۰ هـ.ق) و تا حدودی ابن میثم بحرانی (د حدود: ۶۹۹ هـ.ق) گرایش‌هایی به عرفان ابن عربی داشته‌اند و نشانه‌های اثرپذیری از آموزه‌های عرفانی ابن عربی در نگاشته‌های آنها، اگرچه به میزانی متفاوت، آشکار است.

علی‌الزبیدی در رساله دکتری خود زیر عنوان «رئسانس شیعی: مطالعه موردی مکتب حکمت الهی بحرین در قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی» به معرفی این مکتب عرفانی و شاخصه‌های آن پرداخته است. به نظر او مکتب بحرین، نخستین مکتب شیعی بوده است که تعالیم فلسفی و عرفانی را به تشیع وارد نمود و بنیاد خردگرایی خویش را به نحوی منحصر به فرد از چند منبع متنوع، یعنی از کلام معتزلی و اشعری تا فلسفه سینیوی و عرفان ابن عربی دریافت نمود.^{۵۰} متکلمان مکتب بحرین آشنایی عمیقی با فلسفه ابن سینا

۴۹. محمّد عید نفیسه، محمود، أثر الفلسفة اليونانية في علم الكلام الإسلامي، دارالناوادر، دمشق، ۱۴۳۱ هـ.ق، ص ۴۷۷.

۵۰. نگریده به:

al-Oraibi, Ali, The Shi'i renaissance: A case study of the theosophical school of Bahrain in the 7th/13th century, PhD dissertation, McGill University, Montreal 1992, p. i.

مقاله احمد هیثم الرحیم تحت عنوان «إقبال تشیع دوازده امامی به ابن سینا در روزگار مغول» است.^{۴۵} علی‌الزبیدی نیز در تحقیقات خودش به موضوع اثرپذیری متکلمان بحرین در قرن هفتم هجری قمری از آراء و آثار ابن سینا پرداخته است. به نظر او متکلمان همچون ابن سعاده و ابن میثم و به ویژه علی بن سلیمان بحرانی عمیقاً متأثر از ابن سینا بوده‌اند و پیش از خواجه نصیرالدین طوسی به وارد کردن عناصر فلسفه ابن سینا به کلام امامیه اقدام کرده‌اند و از این رو باید نخستین پیشگامان جریان فلسفی کردن کلام امامیه به شمار آیند.^{۴۶}

چنان‌که ملاحظه شد، بیشتر تحقیقات صورت گرفته درباره تأثیرات فلسفه ابن سینا بر کلام اسلامی تنها به بررسی اثرات آن بر کلام اشاعره اختصاص یافته است و تحقیق در خصوص دامنه و کیفیت اثرگذاری تعالیم فلسفی ابن سینا بر کلام شیعه. و به طور خاص کلام امامیه. همچنان موضوعی نسبتاً بکر باقی مانده است. در واقع، تاکنون هیچ پژوهش مبسوطی در این خصوص سامان نیافته است و بدین جهت، بررسی این موضوع به ویژه با توجه به تأسیس و ترویج مکتب کلام فلسفی در امامیه از سوی خواجه نصیرالدین طوسی. که خود، شارح ابن سینا بود و در سنت فلسفه سینیوی گام برمی داشت. از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. نگارنده، در همین راستا، در کتابی زیر عنوان «فیاض لاهیجی و اندیشه‌های کلامی او» به ابعاد و وجوه گوناگون اثرپذیری مآعبده الرزاق فیاض لاهیجی (د: ۱۰۷۲ هـ.ق) در آثار و آراء کلامی اش از فلسفه ابن سینا به تفصیل پرداخته است. در آنجا یادآور شده‌ام که لاهیجی، هم شناخت بسیار جامع و دقیقی از آثار و افکار ابن سینا داشته است و هم در بسیاری از موضوعات و مسائل از او پیروی نموده.^{۴۷} در حقیقت، خواجه نصیرالدین طوسی و لاهیجی دو نقطه اتصال مهم کلام امامیه به فلسفه سینیوی در تاریخ کلام امامیه به شمار می‌آیند. همچنین راقم این سطور در مقاله‌ای به بررسی تأثیرات فلسفه سینیوی بر مبحث معرفت‌شناسی در کلام امامیه پرداخته است.^{۴۸}

۴۵. نگریده به:

al-Rahim, Ahmed H., "the twelver-shi'i reception of Avicenna in the Mongol period" in: Before and after Avicenna, Proceedings of the First Conference of the Avicenna Study Group, pp: 219 – 231.

ترجمه فارسی این مقاله را نگریده در: إقبال تشیع دوازده امامی به ابن سینا در روزگار مغول، نوشته: احمد هیثم الرحیم، ترجمه: حمید عطائی نظری، مجله کتاب ماه فلسفه، شماره ۷۲، شهریور ۱۳۹۲، صص ۴۰-۳۳.

46. al-Oraibi, Ali, "Rationalism in the School of Bahrain", p. 332.

۴۷. نگریده به: عطائی نظری، حمید، فیاض لاهیجی و اندیشه‌های کلامی او، ص ۱۱۰-۱۱۳.

۴۸. نگریده به: عطائی نظری، حمید، «تحول معرفت‌شناختی کلام امامیه در دوران میانی و نقش ابن سینا در آن»، مجله نقد و نظر، سال بیستم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، ص ۸۱-۱۱۴.

سلیمان بحرانی نیز نگاشته‌ای کلامی. عرفانی سراغ نداریم. معراج السلامة و منهاج الکرامه‌ای او نوشتاری بسیار کوتاه در شرح سخن یکی از دانشوران درباره وجود واجب الوجود و مسأله نفی زیادت وجود خداوند بر ماهیت اوست که یکسره مضمونی فلسفی دارد. مصباح العرفان و مفتاح البیان وی نیز دارای همین وضعیت است.^{۵۵} مفتاح الخیر او در شرح مقدمه رساله الطیر ابن سینا و نیز النهج (المنهج) المستقیم علی طریقه الحکیم او در شرح قصیده عینیه ابن سینا نیز منتهجی فلسفی. عرفانی دارد. به همین نحو، اشارات علی بن سلیمان متنی کاملاً فلسفی. عرفانی و به شدت متأثر از عرفان ابن عربی و آموزه‌های آن است. در واقع، این اثر و نیز شرح اشارات شاگرد او، ابن میثم بحرانی صبغه‌ای کاملاً عرفانی دارد و نگاشته‌هایی خارج از چهارچوب دانش رسمی کلام هستند و به همین دلیل نمی‌توان آنها را آثاری از گونه «کلام عرفانی» تلقی نمود. ساختار و درون مایه و مطالب و مسائل آثار یادشده بسیار متفاوت با کتب کلامی مرسوم است و لذا طبقه‌بندی آنها در رده آثار کلامی صحیح به نظر نمی‌رسد.

بنابراین، اگرچه گرایش عرفانی این متکلمان آشکار است، در میان مکتوبات آنها کتاب یا رساله‌ای بر سبک کلام عرفانی موجود نیست و گرایش عرفانی آنها اثری کلامی. عرفانی را خلق نکرده است. از این رو، عرفان ابن عربی از طریق مکتب بحرین اثرگذاری خاصی بر جریان کلام امامی نداشته است.

پس از متکلمان بحرینی، در میان عالمان و متکلمان امامیه، سید حیدر آملی (د: پس از ۷۸۷ ه.ق) و ابن ابی جمهور آحسایی (د: پس از ۹۰۴ ه.ق) و ملاصدرا (د: ۱۰۵۰ ه.ق) و فیض کاشانی (د: ۱۰۹۱ ه.ق) بیشترین تأثیرپذیری را از تعالیم ابن عربی داشته، عمده‌ترین سهم را نیز در ورود اندیشه‌های عرفانی او به عرصه کلام امامیه دارا بوده‌اند.

درباره تأثیرپذیری ابن ابی جمهور آحسایی از عرفان ابی عربی و فلسفه اشراقی سهروردی و مساهمت او در ورود افکار آنها به کلام امامیه، ویلفرد مادلونگ و زابینه اشمیتکه تحقیقات سودمندی را ارائه کرده‌اند که باید مد نظر قرار گیرد. به عقیده مادلونگ، ابن ابی جمهور آحسایی در آثار خویش ترکیبی را از کلام، فلسفه

۵۵. تدوین یافته بود به محضرخواجه نصیرالدین طوسی فرستاد تا آن را شرح و توضیح دهد. در نتیجه خواجه رساله شرح مسأله العلم را نگاشت و در آن به سبک «قال أقول» به تبیین و گاه نقد سخنان ابن سعاده پرداخت. متن رساله العلم ابن سعاده و شرح آن را بنگرید دن الطوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصیریة، ص ۷۱ - ۱۰۸.

۵۵. درباره این رساله نگرید به: انصاری، حسن، بررسیهای تاریخی در حوزه اسلام و تشیع، ص ۷۸۴.

داشته‌اند و نشانه‌های تأثیرپذیری از فلسفه سینوی در آثارشان مشهود است. آنها از فلسفه ابن سینا برای حل برخی از مشکلات کلامی بهره می‌برده‌اند.^{۵۱} ابن میثم بحرانی نیز اگرچه در کتاب قواعد المرام که در سال‌های نخستین حیات علمی خودش نوشته است، چندان رویکرد فلسفی ندارد و بیشتر تحت تأثیر ابوالحسنین بصری معتزلی و فخر رازی اشعری قرار دارد، در آثار متأخرش نظیر شرح نهج البلاغه و شرح مائة کلمه جاحظ رویکرد فلسفی و عرفانی قابل توجهی پیدا کرده است. به طور کلی جهت‌گیری باطنی مکتب بحرین، از نوع عرفانی است نه صوفیانه. سویه‌های عرفانی این مکتب هم بیشتر متأثر است از آموزه‌های عرفانی ابن عربی. متکلمان این مکتب از فلسفه سینوی برای عقلی و فلسفی نمودن تعالیم و آموزه‌های عرفانی همچون نظریه «وحدت وجود» استفاده می‌کردند.^{۵۲} علی بن سلیمان بحرانی، یکی از متکلمان این مکتب، دیدگاه‌های عرفانی خودش را در چهارچوب شرح و تفسیر آثار عرفانی ابن سینا همچون قصیده عینیه و رساله الطیر و سلامان و آبسال بیان کرده است. او در واقع، یکی از نخستین کسانی است که به بعد عرفانی اندیشه‌های ابن سینا پرداخت. شایان توجه است که فلسفه اشراقی سهروردی هیچ تأثیر مهمی در مکتب بحرین نداشته است و متکلمان این حوزه، اثرپذیری خاصی را از سهروردی و فلسفه‌اش از خود نشان نداده‌اند.^{۵۳}

با وجود اثرپذیری متکلمان بحرینی از عرفان ابن عربی، این اثرپذیری موجب شکل‌گیری «کلام عرفانی» در امامیه نشده است. بررسی آثار بازمانده از مکتب بحرین نشان می‌دهد که در این مکتب هیچ اثر نظام‌مند کلامی رسمی که با سیاقی عرفانی نوشته شده باشد، فراهم نیامده است. از تألیفات ابن سعاده بحرانی تنها نوشته کوتاه رساله العلم باقی مانده است که هیچ سبک عرفانی ندارد و در قالبی فلسفی. کلامی نوشته شده.^{۵۴} از شاگرد او، علی بن

آریسی همچنین در مقاله‌ای مستقل، به فراز و فرودهای جریان خردگرایی در بحرین از قرن هفتم هجری قمری تا به امروز پرداخته است. نگرید به: همو، خردگرایی در مکتب بحرین، چاپ شده در: میراث شیعی: مقالاتی در باب سنت گذشته و حال، به کوشش: لیندا کلارک، (بینگامتون، نیویورک، ۲۰۰۱)، ص ۳۳۱ - ۳۴۳.

idem, "Rationalism in the School of Bahrain," Shiite heritage: Essays on classical and modern tradition, ed. Lynda Clarke, Binghamton, NY 2001, pp. 331-43.

51. idem, The Shi'i renaissance: A case study of the theosophical school of Bahrain in the 7th/13th century, p. 219.

52. علی بن سلیمان و ابن میثم بحرانی هر دو مدافع نظریه «وحدت وجود» ابن عربی بوده‌اند. آنها همچنین کوشیده‌اند مفاهیم عرفانی ابن عربی را با امام‌شناسی شیعی سازگار و منطبق گردانند، چنان‌که اصطلاح «ختم الولاية العامة» را بر امام علی (ع) و اصطلاح «ختم الولاية الخاصة» را بر حضرت مهدی (ع) تطبیق داده‌اند. نگرید:

idem, "Rationalism in the School of Bahrain, p. 333.

53. ibid, pp. 220 _ 221.

54. شاگرد ابن سعاده، علی بن سلیمان بحرانی پس از وفات او این رساله را که در ۲۴ مسأله

اثرگذارترین متکلم اشعری بر کلام امامیه فخر رازی بوده است. شاید یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اثرگذاری فخر رازی بر کلام امامیه واسطه‌گری او در انتقال سبک و رویکرد فلسفی به مسائل و مباحث کلامی باشد.

سینوی، فلسفه اشراقی و عرفان ابن عربی پدید آورده است.^{۵۶} به گفته او، آحسایی در هر موضعی که میان دیدگاه‌های فیلسوفان مثنایی با آراء فلسفه اشراقی یا نظرگاه‌های عرفا تعارضی وجود داشته است، نظریات مکتب اشراق یا عرفا را ترجیح داده است. پذیرش عالم مثال و علم حضوری اشراقی خداوند نمونه‌هایی از تأثیرپذیری‌های ابن ابی جمهور از فلسفه اشراقی است. مادلونگ مواردی را از اثرپذیری‌های آحسایی از تعالیم عرفانی ابن عربی هم یادآور شده است.^{۵۷}

زاینه اشمیتکه نیز در فصل نخست از کتاب خود زیر عنوان «کلام، فلسفه و عرفان در شیعه اثنی عشری سده نهم هجری / پانزدهم میلادی: جهان اندیشه‌های ابن ابی جمهور احسائی»^{۵۸} به بررسی اثرگذاری‌های فلسفه اشراقی و عرفان ابن عربی بر ابن ابی جمهور احسائی پرداخته است.^{۵۹} او همچنین در مقاله‌ای دیگر، به اختصار، تأثیرات اندیشگی شمس‌الدین شهرزوری (د: بعد از ۶۸۷ ه.ق) را بر ابن ابی جمهور احسائی نشان داده است.^{۶۰} به گفته او، آحسایی در آثارش، به ویژه المجلی، درصدد ترکیب کلام معتزلی. خاصه مکتب ابوالحسنین بصری که در بسیاری از مسائل کلامی از آن پیروی می‌کرده است. با فلسفه ارسطویی، فلسفه اشراقی و عرفان ابن عربی برآمده است. افزون بر این، وی تلاش کرده تا تعالیم اشاعره را با نظریات کلامی معتزله هماهنگ و موافق سازد و تعارض میان آنها را از میان بردارد.^{۶۱}

اشمیتکه همچنین خاطرنشان کرده که متکلمان امامی، اغلب، از طریق شهرزوری با آموزه‌های مکتب شیخ اشراق آشنا شدند و اثرگذاری مکتب وی بر متکلمان امامی پیش از شهرزوری نظیر خواجه نصیرالدین طوسی. حتی در مسأله علم خداوند که خواجه نظری مشابه با دیدگاه شیخ اشراق دارد.^{۶۲} و علامه حلی بسیار محل تردید است.^{۶۳} او یکی از موارد تأثیرگذاری شهرزوری بر متکلمان امامی را اقتباسات گسترده ابن ابی جمهور در کتاب المجلی از کتاب الشجرة الإلهیه شهرزوری دانسته، نمونه‌هایی از رونویسی‌های او را از این کتاب به‌طور مشخص نشان داده است.^{۶۴}

رابرت ویسنوفسکی نیز در مقاله‌ای سودمند زیر عنوان «جنبه‌ای از گرایش به ابن عربی در کلام شیعی»، یکی از تحولات صورت‌گرفته در کلام امامیه تحت تأثیر متافیزیک ابن عربی را بررسی کرده است. او به‌طور خاص به موضوع اقتباس سید خیدر آملی از ابن عربی در مبحث تمایز میان «صفات جلال» و «صفات جمال»

56. Madelung, Wilferd, "introduction", in: The Study of Shi'i Islam: History, Theology and Law, p. 458.

57. idem, "Ibn Abi Gūmhūr al-Aḥsā'ī Synthesis of Kalam, Philosophy and Sufism", in: Religious schools and sects in medieval Islam, P. 149.

(مادلونگ، ویلفرد، مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ترجمه: جواد قاسمی، ص ۲۸۱).

58. Schmidtke, Sabine, Theologie, Philosophie und Mystik im zwölferischen Islam des 9./15. Jahrhunderts: Die Gedankenwelten des Ibn Abi Gūmhūr al-Aḥsā'ī (um 838/1434/35 - nach 906/1501), Brill, 2000, x, 358 pp.

۵۹. نگرید به: رحیمی ریس، احمدرضا، دو مجموعه خطی از آثار کلامی، فلسفی، فقهی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین، تهران، ۱۳۸۷، ص پانزده.

۶۰. نگرید به:

Schmidtke, Sabine, "the Influence of Šams al-Dīn Šahrāzūrī (7th/13th century) on Ibn Abi Gūmhūr al-Aḥsā'ī (d. after 904/1499) – A Preliminary Note", Encounters of Words and Texts. Intercultural Studies on Honour of Stefan Wild on the Occasion of His 60th Birthday, eds. Lutz Edzard & Christian Szyska, Hildesheim 1997, pp. 23–32.

این مقاله با مشخصات زیر به فارسی ترجمه و منتشر شده است: اشمیتکه، زاینه، تأثیر شمس‌الدین شهرزوری بر ابن ابی جمهور احسائی، ترجمه: محمّدکاظم رحمتی، مجله کتاب ماه دین، آبان و آذر ۱۳۸۰، شماره ۴۹ – ۵۰، ص ۴۶ – ۵۳. بازچاپ شده در: رحمتی، محمّدکاظم، فرقه‌های اسلامی ایران در سده‌های میانه، ص ۱۱۹ – ۱۳۶.

۶۱. اشمیتکه، زاینه، تأثیر شمس‌الدین شهرزوری بر ابن ابی جمهور احسائی، ترجمه: محمّدکاظم رحمتی، چاپ شده در: فرقه‌های اسلامی ایران در سده‌های میانه، ص ۱۲۳ – ۱۲۴.

۶۲. فضل‌الرحمان نیز در باب این نظر ملاحظه‌دار که خواجه نصیر عقیده‌اش را در خصوص علم حضوری خداوند به اشیاء از شیخ اشراق برگرفته است اظهار تردید نموده. نگرید به: همان، ص ۱۲۰ پاورقی ۲؛ فضل‌الرحمان، فلسفه ملاحظه‌دار، ص ۲۵۸.

۶۳. اشمیتکه، زاینه، تأثیر شمس‌الدین شهرزوری بر ابن ابی جمهور احسائی، چاپ شده در: فرقه‌های اسلامی ایران در سده‌های میانه، ص ۱۲۰. ۶۴. نگاه کنید به: همان، ص ۱۲۵ به بعد.

خداوند پرداخته است.^{۶۵}

متکلمان هم چون ابن سعاده و ابن میثم و به‌ویژه علی بن سلیمان بحرانی عمیقاً متأثر از ابن سینا بوده‌اند و پیش از خواجه نصیرالدین طوسی به وارد کردن عناصر فلسفه ابن سینا به کلام امامیه اقدام کرده‌اند و از این رو باید نخستین پیشگامان جریان فلسفی کردن کلام امامیه به شمار آیند.

فیلسوفان مکتب فلسفی شیراز نظیر غیاث‌الدین منصور دشتکی (د: ۹۴۹ ه.ق) نیز در پاره‌ای مسائل تحت تأثیر فلسفه اشراقی قرار داشته‌اند و در جهت تقریب فلسفه مشائی و اشراقی کوشش‌هایی نموده‌اند. با این وصف، از آنجا که فیلسوفان این مکتب و آثارشان را خارج از چارچوب کلام رسمی امامی قلمداد می‌کنیم، در بحث حاضر به تأثیرپذیری آنها از حکمت اشراقی نمی‌پردازیم.

نقطه تلاقی بعدی عرفان ابن عربی با کلام امامیه از طریق مآصدرا و شاگردش فیض کاشانی شکل گرفت. حکمت صدرایی در ابعاد و موضوعات گوناگون به درجات مختلف متأثر از عرفان ابن عربی (د: ۶۳۸ ه.ق) بوده است و مبنای و نظریات ابن عربی نقشی محوری و پررنگ در تکوین حکمت متعالیه داشته است.^{۶۶} برخی از تعالیم و رویکردهای عرفانی ابن عربی که در حکمت متعالیه مآصدرا پذیرفته شد با اندیشه‌ها و نگاه‌های مآصدرا و پیروانش به‌ویژه فیض کاشانی (د: ۱۰۹۱ ه.ق) از طریق حکمت صدرایی به صحنه کلام امامیه وارد شد. پس از فیض، شاگردش قاضی سعید قمی (د: ۱۱۰۷ ه.ق) نیز تا حدودی متأثر از اندیشه‌های عرفانی ابن عربی و اندکی اثرپذیر از آراء مآصدرا بوده و البته از دیدگاه‌های دو استادش فیض کاشانی و خاصه مآرجعلی تبریزی (د: ۱۰۸۰ ه.ق) بیشتر اثرپذیرفته است.^{۶۷} با این حال، بررسی آثار قاضی سعید نشان می‌دهد که او بیشتر تریک فیلسوف و عارف است و جنبه‌های کلامی او که در آثارش همچون شرح کتاب التوحید شیخ صدوق نمود پیدا کرده به مراتب کمتر است.

به نظر می‌رسد موضوع تأثرات کلام امامیه از عرفان ابن عربی و فلسفه اشراقی و تأثیرات آنها بر متکلمان شیعی همچنان موضوع بکری است که در باب آن مجال وسیعی برای مطالعه و پژوهش وجود دارد.^{۶۸} مساهمت و مشارکت متفکران و متکلمان امامیه در ارائه تحریری شیعیانه از برخی تعالیم عرفانی ابن عربی نیز موضوع قابل توجهی است که باید بدان پرداخته شود.^{۶۹}

۵. تأثیرپذیری کلام امامیه از حکمت صدرایی

آخرین جریان فلسفی مهم که تأثیر چشمگیری بر کلام امامیه نهاد حکمت متعالیه مآصدرا بود. پس از تکوین و تکامل دو مکتب فلسفی مشایی و اشراقی، سومین مکتب فلسفی برجسته در تمدن اسلامی با اندیشه‌ها و نگاه‌های صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی (د: ۱۰۵۰ ه.ق) بنیانگذاری شد. تأسیس

۶۵. نگرید به:

Wisnovsky, Robert, "One Aspect of the Akbarian Turn in Shi'i Theology", in: A. Shihadeh, ed., *Sufism and Theology*. Edinburgh, Edinburgh University Press, 2007, pp. 49-62.

هانری گرین نیز به نقش سید خیدر آملی در تلفیق اندیشه‌های ابن عربی در کلام امامیه اشاره کرده است. نگرید به: گرین، هانری، اسلام ایرانی (چشم‌اندازهای معنوی و فلسفی)، ج ۳، دفتر چهارم، فصل اول، به‌ویژه ص ۲۹۸ و ۳۰۲.

برای تحقیقی نسبتاً جامع در باب احوال و آثار و اندیشه‌های کلامی و عرفانی سید خیدر آملی نگرید به: علی حمیه، خنجر، العرفان الشیعی (دراسة فی الحیاة الروحية والفكرية لحیدر الأملی)، دارالهادی، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۲۹ ه.ق، ۸۲۱ ص. این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه شده است: عرفان شیعی: پژوهشی در باب زندگی و اندیشه سید حیدر آملی، ترجمه: ناصر طباطبایی، مولی، تهران، ۱۳۹۱ ه.ش.

۶۶. برای بررسی تأثیرات عرفان ابن عربی بر آراء و نظریات مآصدرا نگرید به: ندری ابیانه، فرشته، تأثیرات ابن عربی بر حکمت متعالیه، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر، تهران، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۳۰۹.

۶۷. درباره گرایش‌های فکری او نگرید به: کدیور، محسن، «منزلت فلسفی قاضی سعید قمی»، مجله آینه پژوهش، سال ششم، شماره دوم، خرداد تیر ۱۳۷۴، شماره ۳۲، ص ۲۶ - ۲۷.

۶۸. در خصوص موضوع تأثیرات فلسفه اشراقی بر متکلمان امامی و خاصه ابن ابی جمهور آحسائی، مقاله‌ای زیر عنوان «ابن ابی جمهور، مؤسس کلام شیعی اشراقی» نوشته شده است که بیشتر مباحث مطرح در آن، در حقیقت، خارج از موضوع اصلی مقاله است و نویسندگان نتوانسته‌اند به خوبی مدعای خود را اثبات کرده، برای آن شواهد و ادله کافی از آثار ابن ابی جمهور ارائه نمایند. نگرید به: کمالی زاده، طاهره؛ کوهکن، رضا؛ «ابن ابی جمهور، مؤسس کلام شیعی اشراقی»، مجله فلسفه و کلام اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، سال چهل و نهم، شماره ۲.

۶۹. کتابی سطحی و کم‌فایده به نام «تعالیم ابن عربی و آموزه‌های شیعی» به قلم بهمن صادقی مزده منتشر شده است که نویسنده در آن، درصد نشان دادن تأثیر آموزه‌های شیعه بر عرفان ابن عربی برآمده است. تمام کوشش وی در این اثر صرف اثبات تشیع ابن عربی و هماهنگی تعالیم عرفانی او با آموزه‌های شیعی شده است. نگرید به: صادقی مزده، بهمن، تعالیم ابن عربی و آموزه‌های شیعی، انتشارات شیعی، تهران، ۱۳۹۵، ۵۹۱ ص.

حکمت متعالیه از سوی مآصدرا نه تنها جریان فلسفه اسلامی را دستخوش تحوّل کرد، مسیر کلام امامیه را نیز دگرگون نمود و کلام فلسفی‌مثنایی را که از زمان خواجه نصیرالدین طوسی در کلام امامیه شکل گرفته بود و با نگاه‌های فیاض لاهیجی به اوج رسید مغلوب خود نمود. در نتیجه، کلام فلسفی امامیه که تا پیش از این متأثر از فلسفه مثنایی سینیوی بود دچار تحوّل شد و به حکمت متعالیه گرائید و رنگ حکمت صدرایی به خود گرفت.

جدا از تأثیرات غیرمستقیمی که رواج حکمت متعالیه بر اندیشه کلامی دانشوران امامی گذارد، ذات فلسفه صدرایی به دلیل پیوند استواری که با مباحث دینی و اعتقادی برقرار کرده بود خود، ماهیتی کلامی یافت تا آنجا که برخی آن را «فلسفه‌ای کلامی» یا حتی فراتر از آن، «کلامی فلسفی» ارزیابی کرده‌اند. اگر با این ارزیابی‌ها هم یکسره موافق نباشیم این را هم نمی‌توانیم انکار کنیم که فلسفه صدرایی که در بخش عظیمی از مباحث خود به بررسی مسائل کلامی از خداشناسی تا معادشناسی - با رویکرد نوینی فلسفی پرداخته است، توانست تأثیر شگرفی در نحوه پرداخت بسیاری از متکلمان امامی به مسائل کلامی بگذارد و کلامی فلسفی در امامیه این بار با رویکردی تازه ایجاد کند.

فلسفه عرفانی مآصدرا که طرفدارانی در میان متکلمان و عالمان امامی پیدا کرد به تدریج تأثیرات شگرفی در کلام امامیه نهاد و پرداخت طرفداران آن به کلام امامی موجب شکل‌گیری دوره و مکتب نوینی در کلام امامی شد که می‌توان آن را «دوره کلام فلسفی عرفانی» امامیه نامید. پس از مآصدرا، مهم‌ترین متکلمی که خط فکری او را پی گرفت و سعی نمود اندیشه‌های فلسفی عرفانی مآصدرا را به کلام امامیه وارد نماید، شاگرد و داماد او، مآمحسن فیض کاشانی (د: ۱۰۹۱ ه.ق) بود. اگرچه فیض شخصیتی با ابعاد و ادوار مختلف دارد و در دوره‌های مختلف از زندگی خودش متأثر از جریان‌های فکری مختلف بوده است و در نتیجه، نگاه‌هایی با سبک‌های مختلف و گاه متضاد پدید آورده است، تأثیرپذیری کلی او از اندیشه‌های استادش صدرالمآلهین انکارناپذیر است.^{۷۰} کتاب علم الیقین فیض تحریر یک دوره کامل از باورهای امامیه بر اساس اصول فلسفی صدرایی و قواعد عرفانی و روایات اسلامی است.

پس از مآصدرا و فیض کاشانی، پیروان و مدرّسان برجسته

حکمت صدرایی از جمله حکیم مآعلی نوری (د: ۱۲۴۶ ه.ق)، حاج مآهادی سبزواری (د: ۱۲۸۹ ه.ق)، آقا علی مدرّس زبوزی (د: ۱۳۰۷ ه.ق) و أمثال و آقران ایشان، در آثار فلسفی و کلامی خود با همان رویکرد و مبانی فلسفه صدرایی به تبیین و تقریر مسائل کلامی پرداختند و میراثی سترگ از «کلام فلسفی عرفانی صدرایی» پدید آوردند. این میراث چنان نافذ و تأثیرآفرین بود که توانست تفکر کلامی رسمی امامیه را در دوران معاصر شکل دهد و هم اکنون به عنوان کلام متعارف و متداول امامیه خود را معرفی کند. عالمانی چون علامه شعرانی و علامه طباطبائی و استاد مرتضی مطهری و پس از آنها استادانی مثل شیخ جعفر سبحانی و محمدتقی مصباح یزدی و عبدالله جوادی آملی از متکلمان برجسته عصر حاضرند که پیرو «کلام فلسفی عرفانی صدرایی» به شمار می‌آیند.

۶. نتیجه

از مطالب پیشگفته، اصل تأثیرپذیری کلام امامیه از کلام اشعری و فلسفه سینیوی و عرفان ابن عربی و حکمت صدرایی در دوره‌های مختلف روشن شد. بر این اساس باید به هنگام مطالعه آراء و آثار متکلمان امامی به تأثیرات اندیشگی آنها از مکاتب فکری یاد شده توجه نمود و از لحاظ دیدگاه‌ها و نگاه‌های آن متکلمان به صورت جدا و مستقل از منظومه کلام و فلسفه و عرفان اسلامی اجتناب کرد. همچنین، توجه به این تأثیرپذیری‌ها به درک ما از تحولات کلام امامیه در ادوار مختلف کمک شایانی می‌نماید. به نظر می‌رسد عمده‌ترین تحولات رخ داده در کلام امامیه که موجب پدید آمدن مکاتب و جریان‌های کلامی متمایز در کلام امامی شده است برخاسته از همین اثرپذیری‌های متکلمان امامی از مکاتب فکری مختلف مطرح در تمدن اسلامی بوده است. در ادامه این مقالات، نگارنده دسته‌بندی ادوار و مکاتب کلامی امامیه را بر بنیاد تأثیرپذیری کلام امامیه از جریان‌های فکری مختلف ارائه خواهد نمود بعون الله و توفیقه.

۷۰. برای تحقیق درباره احوال و آثار و آراء کلامی فیض کاشانی و اثرپذیری او از مآصدرا نگریید به: الکنانی، علی، الفلسفة والكلام فی مدرسة الحكمة المتعالیة (دراسة فی آراء فیض الكاشانی الفلسفیة و الکلامیة)، دارالمعارف الحکمیة، بیروت، ۱۴۲۷ ه.ق، به ویژه ص ۲۲۴.

کتابنامه

ابن خَجر العسقلانی، أحمد بن علی؛ لسان المیزان؛ اعتنى به الشيخ العلامة عبدالفتاح أبوغدة؛ اعتنى بإخراجه وطباعته: سلمان عبدالفتاح أبوغدة، دار البشائر الإسلامية، بيروت، ۱۴۲۳ هـ.ق.

اشمیتکه، زاینه؛ اندیشه های کلامی علامه حلی؛ ترجمه احمد نمایی؛ انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ ش.

اشمیتکه، زاینه؛ تأثیر شمس الدین شهرزوری بر ابن ابی جمهور آحسایی؛ ترجمه: محمدکاظم رحمتی؛ مجله کتاب ماه دین، آبان و آذر ۱۳۸۰، شماره ۴۹ - ۵۰، ص ۴۶ - ۵۳.

اشمیتکه، زاینه؛ خردگرایی کلامی در دوران میانی جهان اسلام؛ ترجمه: حمید عطائی نظری؛ مجله آئینه پژوهش، سال بیست و دوم، شماره ۱۳۲، بهمن ماه ۱۳۹۰، ص ۷ - ۱۹.

الاصفهانى، شمس الدین محمود؛ تسدید القواعد فی شرح تجرید العقائد؛ تحقیق: دکتر خالد بن حَمَاد العدوانی؛ دار الضیاء، کویت، ۱۴۳۳ قمری / ۲۰۱۲ م.

افندی اصفهانى، مولی عبدالله؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ تحقیق: سیداحمد حسینی؛ منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳ ق.

امیرخانی، علی؛ «مناسبات فرهنگی. اجتماعی اهل حدیث و امامیه در بغداد از غیبت صغرا تا افول آل بویه»؛ چاپ شده در: جمعی از پژوهشگران (زیر نظر) سبحانی، محمدتقی؛ جستارهایی در مدرسه کلامی بغداد؛ مؤسسه علمی- فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۹۵ هـ.ش، ص ۴۰ - ۵۸.

الأمین، السید محسن؛ أعيان الشيعة ۱۲، ج: حقه و أخرجه: حسن الأمین؛ دار التعارف للمطبوعات، بيروت، ۱۴۰۳ هـ.ق.

انصاری، حسن؛ بررسی های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع؛ کتابخانه / موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ ش.

انصاری، حسن؛ مقدمه بر چاپ عکسی کتاب تلخیص المحض؛ مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۹۴ هـ.ش.

بارانی، محمدرضا؛ بررسی تاریخی تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه های معتزله، حنبله و اشاعره در عصر آل بویه در بغداد؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۲ هـ.ش.

الحلی، الحسن بن یوسف؛ استقصاء النظر فی القضاء و القدر و یلیه الفرق بین کلام النبى و قول الوصی؛ تحقیق: السید محمد الحسینی النیسابوری؛ دار أنباء الغیب، مشهد، ۱۴۱۸ هـ.ق.

الحلی، الحسن بن یوسف؛ کشف الخفاء فی شرح الشفاء؛ نسخه خطی شماره ۵۱۵۱، کتابخانه چستربیتی دویلین.

الحلی، الحسن بن یوسف؛ نهایی المرام فی علم الکلام؛ تحقیق فاضل العرفان؛ مؤسسه الامام الصادق، قم، ۱۴۱۹ هـ.ق.

الخوانساری، محمدباقر؛ روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات؛ دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۱ هـ.ق.

الرازی، فخرالدین؛ اعتقادات الفرق المسلمین و المشرکین؛ بمراجعة و تحریر: علی سامی النشار؛ مکتبه النهضة المصریة، القاهرة، ۱۳۵۶ هـ.ق.

الرازی، فخرالدین؛ الریاض المونقة فی آراء أهل العلم؛ تحقیق: أسعد جمعة؛ مرکز النشر الجامعی، تونس، ۲۰۰۴ م.

رحمتی، محمدکاظم؛ فرقه های اسلامی ایران در سده های میانه؛ انتشارات بصیرت، تهران، ۱۳۸۷ هـ.ش.

الرحیم، احمد هیثم؛ اقبال تشیع دوازده امامی به ابن سینا در روزگار مغول؛ ترجمه: حمید عطائی نظری؛ مجله کتاب ماه فلسفه، شماره ۷۲، شهریور ۱۳۹۲ هـ.ش.

۱۳۹۲، ص ۳۳ - ۴۰.

رحیمی ریسبه، احمدرضا؛ دو مجموعه خطی از آثار کلامی، فلسفی، فقهی؛ مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین، تهران، ۱۳۸۷ هـ.ش.

سلیمان، عباس؛ الضلة بین علم الکلام و الفلسفة فی الفكر الإسلامی (محاولة لتقویم علم الکلام و تجدیده)؛ دارالمعرفة الجامعیة، اسکندریة، ۱۹۹۸ م.

سلیمان، عباس؛ تطوّر علم الکلام إلى الفلسفة و منهجها عند نصیرالدین الطوسی (دراسة تحليلیة مقارنة لکتاب تجرید العقائد)؛ دارالمعرفة الجامعیة، اسکندریة، ۱۹۹۴ م.

شوشتری، قاضی نورالله؛ مجالس المؤمنین؛ بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۲ هـ.ش.

صادقی مزده، بهمن؛ تعالیم ابن عربی و آموزه های شیعی؛ انتشارات شفیعی، تهران، ۱۳۹۵ هـ.ش.

الطوسی، نصیرالدین؛ أجوبة المسائل النصیریة؛ به اهتمام: عبدالله نورانی؛ تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ هـ.ش.

عطائی نظری، حمید؛ «تحول معرفت شناختی کلام امامیه در دوران میانی و نقش ابن سینا در آن»؛ مجله نقد و نظر، سال بیستم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، ص ۸۱ - ۱۱۴.

عطائی نظری، حمید؛ «نصیرالدین کاشانی و نگاهشته های کلامی او»؛ چاپ شده در مجله: آینه پژوهش، سال ۲۸، ش ۱۶۴، خرداد و تیر ۱۳۹۶، ص ۱۱۹ - ۱۲۸.

عطائی نظری، حمید؛ فیاض لاهیجی و اندیشه های کلامی او؛ انتشارات دانشگاه معارف، قم، ۱۳۹۲ هـ.ش.

علی حمیه، خنجر؛ العرفان الشیعی (دراسة فی الحیة الروحیة و الفکریة لحدید الأملی)؛ دارالهادی، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۲۹ هـ.ق.

علی حمیه، خنجر؛ عرفان شیعی؛ پژوهشی در باب زندگی و اندیشه سیدحیدر آملی؛ ترجمه: ناصر طباطبایی؛ مولی، تهران، ۱۳۹۱ هـ.ش.

الرحمان، فضل؛ فلسفه ملاصدرا؛ ترجمه، نقد و تحلیل از: مهدی دهباشی؛ ریسمان، ایلام، ۱۳۹۰ هـ.ش.

فقیهی، علی اصغر؛ آل بویه، نخستین سلسله قدرتمند شیعه؛ چاپ سوم، ۱۳۶۶ هـ.ش.

الفیروزآبادی، مجدالدین؛ القاموس المحیط؛ إعداد و تقدیم: محمد عبدالرحمن المرعشی؛ بیروت، دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية، ۱۴۲۴ هـ.ق.

کدیور، محسنغ «منزلت فلسفی قاضی سعید قمی»؛ مجله آینه پژوهش، سال ششم، شماره دوم، خرداد. تیر ۱۳۷۴، شماره ۳۲، ص ۲۶ - ۲۷.

گرین، هانری؛ اسلام ایرانی (چشم اندازهای معنوی و فلسفی)؛ ج ۳، ترجمه: انشاء الله رحمتی؛ سوفیا، تهران، ۱۳۹۴ هـ.ش.

کریم، جوئل ل؛ احیای فرهنگی در عهد آل بویه، انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی؛ ترجمه: محمدسعید حنایی کاشانی؛ تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ هـ.ش.

کمالی زاده، طاهره؛ کوهکن، رضا؛ «ابن ابی جمهور، مؤسس کلام شیعی اشرافی»؛ مجله فلسفه و کلام اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، سال چهل و نهم، شماره ۲.

الکنانی، علی؛ الفلسفة و الکلام فی مدرسة الحکمة المتعالیة (دراسة فی آراء الفیض الکاشانی الفلسفیة و الکلامیة)؛ دارالمعارف الحکمیة، بیروت، ۱۴۳۷ هـ.ق.

مادلونگ، ویلفرد؛ مکتبها و فرقه های اسلامی در سده های میانه؛ ترجمه:

- Schmidtko, Sabine, "the Influence of Šams al-Dīn Šahrāzūrī (7th/13th century) on Ibn Abī Ġumhūr al-Ahsā'ī (d. after 904/1499) – A Preliminary Note", *Encounters of Words and Texts. Intercultural Studies on Honour of Stefan Wild on the Occasion of His 60th Birthday*, eds. Lutz Edzard & Christian Szyska, Hildesheim 1997.
- Schmidtko, Sabine, "Theological Rationalism in the Medieval World of Islam", *Al-Usur al-Wušta*, 20.1 (April 2008) Pp.17-22.
- Schmidtko, Sabine, *Theologie, Philosophie und Mystik im zwölfterschiitischen Islam des 9./15. Jahrhunderts: Die Gedankenwelten des Ibn Abī Ġumhūr al-Ahsā'ī* (um 838/1434/35 - nach 906/1501), Brill, 2000, x, 358 pp.
- Shihadeh, Ayman, "From al-Ghazali to al-Razi: 6th/12th Century Developments in Muslim Philosophical Theology", in: *Arabic Sciences and Philosophy*, vol. 15 (2005) pp. 141–179.
- Wisnovsky, Robert, "Avicenna and the Avicennian tradition", in: P. Adamson and R. Taylor (eds.), *The Cambridge Companion to Arabic Philosophy*, Cambridge, 2004.
- Wisnovsky, Robert, "On the emergence of Maragha Avicennism", [forthcoming].
- Wisnovsky, Robert, "One Aspect of the Akbarian Turn in Shi'i Theology", in: A. Shihadeh, ed., *Sufism and Theology*. Edinburgh, Edinburgh University Press, 2007, pp. 49-62.
- Wisnovsky, Robert, "One Aspect of the Avicennian Turn in Sunni Theology", in: *Arabic Sciences and Philosophy*, Cambridge University Press, vol. 14 (2004) pp. 65–100.
- Wisnovsky, Robert, *Avicenna's Metaphysics in Context*, London/Ithaca, N.Y., 2003.
- Christian-Muslim Relations. A Bibliographical History, Edited by: David Thomas and John Chesworth, Brill.
- Dhanani, Alnoor, "Rocks in the Heavens?! The Encounter between 'Abd al-Jabbār and Ibn Sīnā", in: *Before and after Avicenna: proceedings of the First Conference of the Avicenna Study Group / edited by David C. Reisman; with the assistance of Ahmed H. al-Rahim*, BRILL, LEIDEN • BOSTON 2003.
- Eichner, Heidrun, *The Post-Avicennian Philosophical Tradition and Islamic Orthodoxy. Philosophical and Theological summae in Context*, Habilitationsschrift, Halle, 2009.
- Frank, Richard M., *Al-Ghazali and the Ash'arite School*, Durham: Duke University Press, 1994.
- Frank, Richard M., "Al-Ghazali's Use of Avicenna's Philosophy", *Revue des etudes islamiques* 55–57 (1987-89): pp. 271-85. Reprint in: Frank, *Philosophy, Theology, and Mysticism in Medieval Islam*. Text xi. 49.
- Griffel, Frank, *Al-Ghazali's Philosophical Theology*, New York: Oxford University Press, 2009.
- Madelung, Wilferd, "Ibn Abi Ġumhūr al-Ahsā'īs Synthesis of Kalam, Philosophy and Sufism", in: *Religious schools and sects in medieval Islam*, London, Variorum Reprints, 1985, VII.
- Madelung, Wilferd, "introduction", in: *The Study of Shi'i Islam: History, Theology and Law*, edited by: Farhad Daftary and Gurdofarid Miskinzoda, I.B. Tauris-The Institute of Ismaili Studies, 2014, London, 2014.
- al-Oraibi, Ali, "Rationalism in the School of Bahrain," *Shiite heritage: Essays on classical and modern tradition*, ed. Lynda Clarke, Binghamton, NY 2001, pp. 331-343.
- al-Oraibi, Ali, *The Shi'i renaissance: A case study of the theosophical school of Bahrain in the 7th/13th century*, PhD dissertation, McGill University, Montreal 1992.
- al-Rahim, Ahmed H., "the twelver-shi'i reception of Avicenna in the Mongol period" in: *Before and after Avicenna, Proceedings of the First Conference of the Avicenna Study Group*. pp: 219 – 231.
- جوواد قاسمی؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ویرایش دوم، ۱۳۸۷ ه.ش.
- المجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار؛ ۱۱۰ ج، دار إحياء التراث العربي ومؤسسة التاريخ العربي، بيروت، ۱۴۱۲ ه.ق.
- محمد عید نفیسه، محمود؛ أثر الفلسفة اليونانية في علم الكلام الإسلامي؛ دارالناوادر، دمشق، ۱۴۳۱ ه.ق.
- مدرّس رضوی، محمدتقی؛ احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی؛ اساطیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ه.ش.
- ندری ایبانه، فرشته؛ تأثیرات ابن عربی بر حکمت متعالیه؛ انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، تهران، ۱۳۸۶ ه.ش.
- واعظ جوادی، اسماعیل؛ محاکمات فلسفیه یا داوری بین نصیرالدین طوسی و دبیران کاتبی، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- وُلفسن، هری اوسترینغ؛ بازتاب‌های کلام اسلامی در فلسفه یهودی؛ ترجمه، علی شهبازیغ مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۷ ه.ش.
- ویسنوفسکی، رابرت؛ «سیمایی از گرایش به ابن سینا در کلام اهل سنت»؛ ترجمه، حمید عطائی نظری؛ مجله کتاب ماه دین، شماره ۱۷۹، شهریور ۱۳۹۱، ص ۸۴ – ۱۰۳.
- ویسنوفسکی؛ متافیزیک ابن سینا، روبرت؛ ترجمه: مهدی نجفی افرا؛ نشر علم، تهران، ۱۳۸۹ ه.ش.